



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۱۷

جمعه ۴ فروردین ۱۴۰۲، ۲۴ مارس ۲۰۲۳

بیانیه حزب کمونیست کارگری در
مورد حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲

افزایش ناچیز و شرم آور
دستمزد

با اعتراضات و اعتصابات
سراسری روبرو خواهد شد!

شورای عالی کار حکومت باز هم با افزایش
چندرغاز حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۲ که
حتی از نرخ تورم اعلام شده خودشان هم به
مراتب کمتر است، جنایت آشکاری را علیه دهها
میلیون نفر از مردمی که فی الحال چند بار زیر خط
فقر زندگی میکنند مرتکب شد.

مفتخوران حاکم تصمیم به افزایش ۲۷ درصد
حداقل دستمزد کارگران گرفتند. با این تصمیم
حداقل دستمزد امسال ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار
تومان میشود. البته همین درصد هم شامل
بخش قابل توجهی از کارگران نخواهد شد و فقط
برای کف‌بگیران مزدی است که بخش کوچکی از
کارگران مشمول قانون کار و بازنشستگان قبل از
سال ۹۷ را در بر میگیرد. دستمزد متوسط بگیریان
فقط ۲۱ درصد افزایش می‌یابد و حقوق کارکنان
دولت ۲۰ درصد. این به معنی کاهش عملی
دستمزدهای زیر خط فقر فعلی است. با توجه به
تورم لجام گسیخته، اکثریت عظیم مردم
زحمتکشی که توان خرید ساده ترین اقلام مورد
نیاز را نداشتند باز هم از قدرت خریدشان به
شدت کاسته خواهد شد.

معنی این تصمیم جنایتکاران حاکم، گرسنگی
واقعی تولیدکنندگان و زحمتکشان جامعه، کارگران
و معلمان، بازنشستگان، کادر درمان، اکثریت
کارمندان دولت، میلیونها جوان بیکار و عواقب
فاجعه‌بار اجتماعی مانند رشد تن‌فروشی و اعتیاد
و کارتن‌خوابی و ترک تحصیل کودکان و هزار
مصیبت دیگر است. بودجه حاکمان مثل همیشه
به نیروهای سرکوب و دم و دستگاه کثافت
مذهب و حقوق‌های نجومی مقامات اختصاص
یافته و اکثریت عظیم جامعه قربانیان این
ادامه در صفحه ۲

سرداران سپاه: در آستانه فروپاشی هستیم
کاظم نیکخواه
صفحه ۲

دستمزد تعیین شده حکومتی و خشم کارگران
گفتگو با شهلا دانشفر
صفحه ۳

نگاهی به سال زن زندگی آزادی
حمید تقوایی
صفحه ۳

اعتراف فرماندهان سپاه به قدرت مردم و پایان حکومت
اصغر کریمی
صفحه ۴

جمهوری اسلامی بی روتوش
سیامک بهاری
صفحه ۴

اطلاعیه پایانی کنفرانس کادرهای تشکیلات کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۱۲

اطلاعیه‌ها، گزارش تصویری آکسیونهای

حزب کمونیست کارگری ایران

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

سرداران سپاه: در آستانه فروپاشی هستیم

ریزش گسترده نیروها

یک بخش مهم نشست فرماندهان ارشد حکومتی با خامنه ای، بحث بر سر ریزش شدید نیروهای نظامی حکومت است. یکی از سران سپاه میگوید نیروهای وفادار به حکومت بین ۱۲ تا ۶۸ درصد ریزش داده اند و نیروی کافی برای پوشش مناطق را ندارند. غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا از خنثی شدن طرح حمله توپخانه‌ای توسط افرادی از توپخانه سپاه به چند نقطه حساس حکومت در تهران از جمله به بیت خامنه‌ای خبر میدهد و با وحشت میگوید خوشبختانه خنثی کردیم اما نمیدانیم بعد چه میشود. فرمانده سپاه قدس اعتراف میکند که نیروهای سپاه قدس به اسرائیل اطلاعات میفروشدند و به همین دلیل اسرائیل از نقشه‌های ما از قبل خبر دارد و مدام ضربه میخوریم. از استعفا و کنار کشیدن هزاران نفر از نیروها سخن میگویند

فحش دادن به خامنه ای

محمود محمدی شاهرودی، مسئول سازمان بسیج طلاب و روحانیون میگوید حتی در میان طلاب مخالفت با احکام قوه قضائیه علیه معرضین و "اغتشاشگران" گسترده است و حتی با اهانت به مراجع و شخص رهبری به این احکام پاسخ میدهند. و بعد میگوید "این خطر است. خطر رد شدن از نظام و رهبری و مراجع میتواند کلیت نظام را با مشکل مواجه کند". او اضافه میکند چندی پیش با وجودی که دو محافظ داشته و در درون خود رو سوار بوده عمامه اش را از سرش برداشته اند و توی جوی آب انداخته اند. و بعد میگوید "حال تصور کنید که آن "روحانیونی" که محافظ ندارند چه وضعیتی دارند".

عبدالله حاجی صادقی، نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران، در این جلسه اذعان کرده که پیش از جلسه با اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات، گفت‌وگو کرده و او گفته که برخی از مراجع تقلید به رهبر جمهوری اسلامی «جسارت» می‌کنند.

نگاه سربازان ورده‌های پایین به خیابان

گفته میشود که سربازان و جوانانی که در نیروهای حکومتی هستند نگاهشان به جامعه است و از خیابان مستقیماً تأثیر میگیرند. آنها حاضر نیستند به مردم در اعتراضات شلیک کنند. حاج صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه میگوید "نگاه این جوانان (سربازان و افراد جزء سپاه) که در یگانهای مختلف حضور دارند به هم سنها و خانواده‌های خود در خیابان است".

سرتیپ قدرت الله کریمیان جانشین فرمانده کل قوا در ایلام میگوید "چگونه میشود با یک اسلحه در حمایت از خاک اشرا را سرکوب کرد و با همان اسلحه دختران را کف خیابان به گلوله بست؟ اینها باهم مغایرت دارد".

او ادامه میدهد "هر روز ما نامه از آقای برادر شمشخانی و همکارانشان که در سایه امن در دفترشان زیر تهبویه مطبوع نشسته اند دریافت میکنیم که شهر را آرام کنید، بزنید و آرام کنید. بزنیم؟ چگونه بزنیم؟ مردم را نمیشود زد. من حاضرم همین الان ادامه در صفحه ۷



کازم نیکخواه

سند مهمی که از نشست مقامات بالای نظامی و سیاسی حکومت با علی خامنه ای توسط ایران وایر این روزها منتشر شده وضعیت بشدت وخیم و بحرانی و پر از تنش و فرسوده نیروهای حکومت را از درون بازتاب میدهد. سران ارشد سپاه و بالاترین مقامات نظامی و سیاسی حکومت با خامنه ای جلسه گذاشته اند تا به او هشدار دهند که پایه های حکومت شدیداً به لرزه در آمده و بنا به تشخیص آنها امکان فروپاشی کاملاً وجود دارد. این اسناد مربوط به چند ماه قبل و اوج خیزشها و انقلاب است. اما در عین حال اوج انزوا و ضعفهای اساسی حکومت را بازتاب میدهد و در همانجا گفته میشود که رده های پایین و معمولی نیروهای نظامی حاضر به شلیک به مردم نیستند و هشدار میدهند که حتی اگر این اعتراضات را هم رد کنیم دور بعدی در ابعاد خطرناکتری سربلند خواهند کرد.

اعترافات سران سپاه و نمایندگان خامنه ای در سپاه و نیروهای انتظامی حکومت، تأکیدی بر این حکم است که انقلاب زن زندگی آزادی، ضربات کاری و مهلکی به ستون حکومت درمانده و فاسد وارد کرده و ستون های آنرا بطور جدی به لرزه در آورده است. مطلقاً بعید نیست که نیروهای نظامی حکومت در آینده ای نه چندان دور، در برابر یکدیگر سنگربندی کنند و به یکدیگر شلیک کنند. در همین جلسه گفته میشود که در سه مورد توپخانه به سمت نقاط حساسی در تهران و یک مورد به سوی "بیت رهبری" نشانه رفته بوده است. که کشف شده است. عبدالله حاجی صادقی نماینده خامنه ای در سپاه میگوید "در واحدهای مختلف در لشکرها اطلاعات و آمار داریم که درگیریهایی بوده است. باید مدیریت شود. در اینجا ما از یک یا دو نفر صحبت نمیکنیم. از یک مجموعه نیروی مسلح با بیش از ششصد هزار نیروی متفاوت صحبت میکنیم".

این گزارش چهل و چهار صفحه است و همه آنها اعترافات بسیار مهم و جالبی است. میتوانی از سایتهای حزب متن کامل آنرا دریافت کنید. اینجا گوشه کوچکی از این اعترافات را مرور و طرح میکنیم:

شرایطند. روشن است که کارگران و حقوق بگیران فقیر و زحمتکش زیر بار این وضعیت فاجعه‌بار نخواهند رفت و ایتر در بیانیه‌ها و منشورها و فراخوانهایشان اعلام کرده‌اند. اما این تنها نقطه آغاز یک مبارزه عظیم اجتماعی و آغاز دوره‌ای از اعتصابات سراسری و تجمعات اعتراضی قدرتمند خواهد بود.

حکومت در اوج بحران داخلی و خارجی است. انقلاب زن زندگی آزادی این رژیم را از هر سو محاصره کرده و تحت فشار قرار داده است. ماشین سرکوبش بحرانی و قدرت سرکوبش بشدت کاسته شده است. در مقابل این تصمیم پیشرفته حکومت بخش‌های مختلف طبقه کارگر، معلمان و بازنشستگان و کادر درمان ساکت نخواهند نشست و در صفوفی متحد و یکپارچه تجمعات و اعتصابات سراسری را برای افزایش دستمزدها و تحقق مطالبات خود تدارک خواهند دید. این بی‌شک با حمایت وسیع جامعه انقلابی و به جان آمده ایران روبرو خواهد شد. کارگران میتوانند همراه با زنان و جوانان انقلابی کار این حکومت را سال ۱۴۰۲ یکسره کنند. این تنها و تنها راه پایان دادن به فقر و محرومیت و همه مشقاتی است که جنایتکاران اسلامی به اکثریت مردم تحمیل کرده اند.

زنده باد اعتراضات و اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزدها!

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ فروردین ۱۴۰۲، ۲۳ مارس
۲۰۲۳



نگاهی به سال زن زندگی آزادی حمید تقوایی



تدوین شده بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید

حسن صالحی: سالی که گذشت سال بسیار ویژه ای بود. سال شروع انقلاب شکوهمندی که شمارش معکوس سقوط جمهوری اسلامی را آغاز کرد. انقلابی که علیرغم سرکوب شدید و بیش از ۵۰۰ کشته و هزاران زندانی همچنان ادامه دارد. حتی تحویل سال نو با طنین شعار مرگ بر خامنه ای در بسیاری از شهرها و رقص دختران بی حجاب و شادی و جشن خیابانی مردم همراه بود. در آغاز سال نو میخواهیم نگاهی داشته باشیم بر روند انقلاب زن زندگی آزادی و چشم انداز آن.

حمید تقوایی، اولین سئوال من در مورد ویژگی نوروز ۱۴۰۲ است که خیلی آشکارا تعرض گسترده ای علیه حکومت بود. آیا جشن نوروزی امسال را میتوان به نوعی نمادی از کل تحولات سال گذشته دانست؟

حمید تقوایی: به نظر من هم دقیقاً تعرض و یا جشن و شادی اعتراضی و بپاخاستن یک بار دیگر جامعه علیه حکومت در شب سال نو در واقع خصلت نمای تحولاتی بود که در ششماه نیمه دوم سال گذشته شاهد آن بودیم: جامعه به شیوه های مختلف در سطح گسترده ای کل موجودیت جمهوری اسلامی را بزیر سؤال برد، با صدای بلند و خیلی روشن و صریح اعلام کرد که این حکومت را نمی خواهد، آنرا تحمل نمیکند و نمی پذیرد و اینها باید شریان را از سر مردم کم کنند. آنچه در نوروز اتفاق افتاد در واقع حاصل و برآیند این ششماه مبارزه بود.

البته میتوان گفت که در تمام دوران جمهوری اسلامی مراسم نوروزی نوعی بجالش کشیدن حکومت بوده است. جمهوری اسلامی حکومت عزا و ماتم و ضد روح نوروز و شادی و سرزندگی است. ازینرو همیشه رقص و شادی مردم در شب سال نو، در چهارشنبه سوری و در سیزده بدر خاری در چشم حکومت بوده است. ولی امسال بر متن انقلاب جاری نوروز بطور ویژه ای و صریح و عریان مقابله با حکومت بود. مردم در سطح گسترده ای با شعار مرگ بر خامنه و با شادی و رقص بدون حجاب در خیابانهای بسیاری از شهرها به استقبال نوروز رفتند و ضربه دیگری به جمهوری اسلامی وارد کردند. به نظر من جشن اعتراضی چهارشنبه سوری و سال تحویل امسال نماد تحولاتی بود که در نیمه دوم سال گذشته رخ داد. تحولاتی که همه جهان به اسم انقلاب زن زندگی آزادی از آن نام میرد.

حسن صالحی: کلا چه تبیین و ارزیابی از انقلاب جاری دارید؟
شعار محوری زن زندگی آزادی بیانگر چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من این شعار بیانگر عمق انسانی و
ادامه در صفحه ۹

دستمزد تعیین شده حکومتی و خشم کارگران گفتگو با شهلا دانشفر



انترناسیونال: حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ در روز آخر سال گذشته توسط شورای عالی کار حکومت تعیین شد. میزان حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۲ چقدر است؟ شما که از نزدیک مسائل جنبش کارگری را رصد می کنید این میزان حداقل مزد را چگونه می بینید؟

شهلا دانشفر: حداقل دستمزد سال آتی برای کارگران را شورای عالی کار حکومت با هیاهوی بسیار ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار تومان اعلام کرده که یک افزایش ۲۷ درصدی است. تازه این افزایش ۲۷ درصدی به اعتراف خود حکومتیان فقط برای کف بگیران مزدی است و این کف بگیران بخش کمی از کارگران مشمول قانون کار جمهوری اسلامی و بازنشستگان قبل از سال ۹۷ را در بر میگیرد. و گرنه طبق این مصوبه دستمزد متوسط بگیران که بخش بزرگتر مزد بگیران تحت پوشش قانون کار هستند فقط ۲۱ درصد افزایش داشته است. این تفکیک کردن بین مزدبگیران بخشی از بازی و توطئه جمهوری اسلامی در اعلام افزایش دستمزدهاست. و یک هدف آن ایجاد تفرقه در صفوف کارگران است. بگذریم که این اضافه کردنها بر همان دستمزد سال گذشته که خود چندین و چند بار زیر خط فقر بوده و ارزشش با رشد نجومی نرخ تورم کاهش صد در صدی و حتی بیشتر از آنرا داشته، صورت میگیرد. و این خود ابعاد فاجعه بار فقر و فلاکت در میان کارگران و کل جامعه را به نمایش میگذارد. از جمله در همین یکی دو هفته اخیر بود که سقوط بیسابقه ارزش ریال و افزایش قیمت دلار به شست هزار تومان خیری شد. همچنین در خبرهایشان از خط فقر سی میلیونی نوشتند و بحث هفته گذشته شان نیز در همین شورای عالی کار بر سر سبد هزینه دوازده میلیونی و هفده میلیونی می چرخید.

جالب اینجاست که به گفته وزیر کار میزان حداقل دستمزد کارگران با مخلفاتش از جمله حق مسکن و حق اولاد و بن کارگری به هشت میلیون میرسد. به این معنا که حق مسکن ۹۰۰ هزار تومان میشود. و این درحالیست که هزینه مسکن نجومی است و بخش بزرگی از دریافتی حقوق بگیران را می بلعد که آنهم بیغوله ای است. رقم دیگر حق اولاد است که ۵۳۰ هزار تومان میشود. اما در این جامعه خبری از تحصیل رایگان و درمان رایگان برای مردم نیست. بنابراین وقتی به این ارقام نگاه میکنیم تصویر روشنتری از وضع فاجعه بار زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه بدست می آید.

بعلاوه لایحه بودجه دولت برای سال ۱۴۰۲ خود پیش زمینه های این تعرض بود. از جمله بر اساس این لایحه مزد کارکنان دولت فقط ۲۰ درصد افزایش مییابد و کارگران بخش دولتی و همه آن کارگرانی که طرف قراردادشان دولت است، برخلاف قوانین خود

ادامه در صفحه ۵

اعتراف فرماندهان سپاه به قدرت مردم و پایان حکومت



اصغر کریمی

سرتیپ اسماعیل قآنی: «صحبت‌های آقایان را که من شنیدم احساس کردم که به واقع علی تنهاست»

هر کس این سند مهم نشست ۱۳ دیماه فرماندهان سپاه خامنه‌ای را بخواند متوجه همین نکته میشود که قآنی گفت. بخوبی متوجه میشود که نه تنها خامنه‌ای تنها است بلکه هسته اصلی قدرت تا چه اندازه کوچک و پوشالی و بحرانی شده است. اینها بدنه سرکوب نیستند، بالاترین رده فرماندهان سپاه یعنی اصلی‌ترین نیروی سرکوب حکومت‌اند. قرار بود فرماندهان سپاه منسجم‌ترین، مومن‌ترین و وفادارترین نیروی حکومت و آماده‌ترین نیرو برای سرکوب باشند. اما سند درست عکس اینرا میگوید. اینها از پی‌اعتقادترین، نامطمئن‌ترین و نامنسجم‌ترین فرماندهان هستند و اکثر قریب به اتفاقشان مشروعیت حکومت را زیر سوال برده‌اند. این جلسه دریچه مهمی به روی وضعیت اسفبار کل حکومت و پایان حکومت بود. نشان میداد که چگونه انقلاب ماشین سرکوب را دچار مشکل کرده و همه چیز را بصورت برگشت‌ناپذیری تغییر داده است. نفس افشای این سند نیز به سهم خود تأثیرات مستقیم و عمیق و مثبتی روی مردم انقلابی و تأثیرات مخربی بر نیروی سرکوب حکومت و بالاترین سطح مقامات و ارگانها خواهد گذاشت که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد.

از میان ۴۵ نفر از بالاترین فرماندهان سپاه که در جلسه با خامنه‌ای صحبت کردند به غیر از قآنی، شمخانی، سلامی و حاجی‌زاده بقیه همه از اوضاع مینالیدند، معضلات جامعه و نارضایتی عمیق نیروی خود و فساد و رانت‌خواری و بیسوادی دولت رئیسی و مدیریت خانواده‌ای دولت را مورد بحث قرار میدادند و خود را در مقابل نیروی خود و در مقابل مردم ناتوان میدیدند. به قوه قضاییه و صدا و سیما و اینکه حکومت هر اعتراض مردم را به خارج نسبت میدهد و پاسخی برای مشکلات عدیده مردم ندارد، اعتراض داشتند. دستگیری تعداد زیادی از اعضای خانواده‌های اعضای سپاه نیز مساله دیگری بود که میگفتند به مشغله نیروی تحت فرماندهی‌شان تبدیل شده است. آنها همه ته دلشان خالی بود و ته دل خامنه‌ای را هم بیشتر خالی کردند. و خامنه‌ای یقین داشت که فرماندهان ملاحظه میکنند یا میترسند و همه حرفهای خود را نمی‌زنند. در همین جلسه فرماندهانی که به ساعت چند میلیاردی پسر شمخانی و آقازاده‌هایی با ماشین‌های میلیاردی، بعنوان عواملی که موجب پی‌اعتقادی نیروی سپاه شده است، اشاره میکردند با تهدید شمخانی مواجه شدند که گفت پرونده

ادامه در صفحه ۸

**جمهوری اسلامی بی روتوش
درباره گزارش جاوید رحمان به نشست حقوق بشر سازمان ملل**



سیامک بهاری

بررسی عملکرد جمهوری اسلامی، در مستندات جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در نشست این شورا در مورد جمهوری اسلامی ایران، سپس گزارش سازمان عفو بین‌الملل و یافته‌های چندین نهاد رسمی دیگر، یک کارنامه سراپا جنایت سازمان یافته حکومتی را پیش چشم جهانیان می‌گیرد. حکومتی به ضرب کشتار و سرکوب با بیرحمی همه جانبه، خود را سرپا نگهداشته است. همه ارکان حکومتی این دیکتاتوری عریان در همه زمینه‌ها از لشکری تا کشوری، امنیتی و علیه حقوق پایه‌ای جامعه سازماندهی شده است. زیرپا گذاشتن و پایمال کردن حرمت و کرامت انسانی جامعه، مسدود کردن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و حقوق فردی، تلاش برای نابود کردن حق شهروندی و تنزل آن به "امت"، برپایی الیگارشویی مافیایی حکومتی به ضرب سرکوب حداکثری، زن ستیزی جنون‌آمیز، تحمیل فقر و فلاکت گسترده، فساد و اختلاس بهت‌آور به بهانه ماجراجویی‌های امنیتی و نظامی، گسترش تروریسم اسلامی در منطقه و جهان بگ هدف دائمی و نقشه‌مند حکومت اسلامی از بدو سر کار آمدن تا کنون است. جمهوری اسلامی اساساً با نقض خشن حقوق انسانی و جنایت علیه بشریت شناخته می‌شود. گزارش آنقدر سنگین و تکان دهنده است که در باور نمی‌گنجد که فقط طی ۱۲ ماه این حجم از جنایت به پرونده قطور جمهوری اسلامی اضافه شده باشد و در ابعادی حیرت‌آور چنین بلایی بر سر جامعه آورده باشند.

دامنه سرکوب و توحش حکومت اسلامی

فقط طی یک بازه کوتاه در یک سال اخیر، بیش از ۸۰۰ نفر مستقیماً توسط نیروهای امنیتی و نظامی در تظاهراتها و اعتراضات خیابانی اخیر و در حملات دیگر کشته شده‌اند. از این میان هفتاد کودک با ضربات باتوم، شلیک گلوله جنگی و پرتاب از بلندی، بیرحمانه به قتل رسیده‌اند. ۲۱ کولبر و ۱۳ سوخت‌بر با هجوم هنگ مرزی سپاه پاسداران و ارتش کشته شده‌اند.

بیش از ۳۰ هزار نفر به دلایل سیاسی و عقیدتی ربوده، دستگیر و بازداشت شده‌اند. صدها کودک و نوجوان دانش‌آموز در میان آنهاست. که با قساوت و بیرحمی تمام، تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جنسی، جسمی و روانی قرار گرفته‌اند.

صدور احکام اعدام، توسط قاضیان مرگ پیدادگاه‌های انقلاب اسلامی با رشد ۸۰ درصدی، بیش از ۵۰۰ نفر، از آن میان ۱۳ زن و ۲ نوجوان که در کودکی دستگیر شده بودند را در زندانهای مختلف اعدام کرده‌اند. در سه‌ماه اخیر از دی‌ماه تا اسفند ماه، ۱۴۳ نفر با

ادامه در صفحه ۶

دستمزد تعیین شده حکومتی و
خشم کارگران
ادامه از صفحه ۳

حکومت از مشمولیت تصمیم شورایی کار کنار گذاشته شده و مزدشان بر اساس همین بیست درصد افزایش خواهد داشت. مثال بارز بخش از کارگران شاغل قرارداد موقت در نفت هستند که قراردادشان با دولت است و یا کارگران شهرداری و برخی از کارگران شاغل در بخش درمان که دولتی هستند. از همین رو امروز مساله میزان حداقل دستمزد و مصوبات دولت، موضوع اعتراض همه این بخش های کارگری است.

بدین ترتیب تصمیم جنایتکارانه شورایی کار بر سر میزان حداقل دستمزد بطور واقعی اعلام جنگی آشکار علیه کارگران و کل جامعه و تدارک حمله ای گسترده تر به زندگی و معیشت بیش از ۱۵ میلیون کارگر و بازنشسته متاثر از آن است که با خانواده هایشان جمعیتی چند برابر را در بر میگیرد. کارگران در برابر چنین تعرض وحشیانه ای ایستاده اند و جدالی سخت در حال شکل گیری است. مصوبه شورایی کار در کنار لایحه بودجه حکومت که بطور واقعی برنامه بودجه پروار کردن نیروهای سرکوب و دستگه های مذهب و خرافه حکومت علیه مبارزات مردم است، به روشنی ابعاد وسیع و اجتماعی جدال بر سر دستمزد در سطح جامعه را به نمایش میگذارد.

انترناسیونال: مبارزه و جدال بر سر دستمزد هر ساله علیه حکومت و کارفرمایان جریان داشته است. امسال فکر میکنید این مبارزه چه ابعاد و محورهای خواهد داشت و شرایط از چه قرار است؟

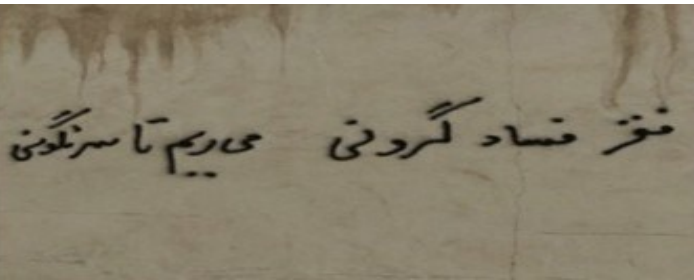
شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید مساله دستمزد موضوع جنگ هر ساله کارگران با حکومت است. اما امسال شرایط بدرجای متفاوت است. جدال بر سر دستمزد امسال جدالی در دل انقلاب زن، زندگی، آزادی است و شعار فقر فساد گرایی، میریم تا سرنگونی حلقه اتصال آن با خیابان است.

به عبارت روشنتر امروز مبارزه علیه مصوبه مزدی شورایی کار و لایحه بودجه حکومت پرچم مبارزه علیه فقر و گرانی و برای داشتن یک زندگی انسانی است.

بعلاوه اینکه در کنار کارگران، معلمان که یک اعتراض همیشگی آنها به حقوقهای زیر خط فقر بوده، بازنشستگان که مستقیماً مورد حمله تعرضات معیشتی حکومتی قرار دارند، و نیز پرستاران و بخش های دیگر حقوق بگیران جامعه که همواره فریاد اعتراضشان به سطح نازل حقوقها و بی تامینی بلند بوده است، قرار دارند. همه این بخش ها صف بزرگ مبارزه علیه فقر و بی تامینی، تبعیض و نابرابری و کل بساط دزدسالار حاکم را تشکیل میدهند و این نیروی است که اولتیماتوم های اعتراضی خود برای برپایی تجمعات سراسری و اشکال گسترده تر اعتراض را داده است. در چنین شرایطی است که چشم انداز تجمعات اعتراضی سراسری که خیابان را با خود همراه خواهد داشت و اعتصابات سراسری کارگری را در مقابل خود می بینیم و این سیر پیشروی انقلاب برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی است.

برای مقابله با چنین جدالی اجتماعی بر سر دستمزد و علیه فقر و بی تامینی حکومت با اختصاص بودجه های نجومی به نیروهای سرکوب و دم و دستگه مذهبی تلاش دارد تا بلکه ماشین به هم ریخته سرکوبش را سر و سامانی دهد. اما در سوی دیگر، انقلابی جاریست و صف آرایی ها شکل گرفته است. وحشت حکومت از قدرت سازمانیافته و نیروی انقلاب مردم را در مباحثات درونی سران سپاه در حضور خامنه ای به روشنی شاهدیم. این تصویر نشانگر جایگاه امروزی جنگ بر سر دستمزد است.

اما اجازه بدهید به بخش دوم سوال شما و محورهای اصلی اعتراض بر سر دستمزد بپردازم. اولین موضوع اعتراض کارگران به خود شورایی کار و بساط سه جانبه گری مسخره آنست. کارگران به کل این دم و دستگه و تصمیم گیری از بالای سرشان برای تعیین میزان حداقل مزدشان و شرایط کاری و معیشتی شان اعتراض دارند. همانطور که میدانید شورایی کار مرکب از نمایندگان دولت، کارفرما و تشکلهای دست ساز حکومتی به اسم کارگر است. و اسم این سیرک مسخره را هم میگذارد رعایت اصل سه جانبه گری. اما وقتی به این ترکیب نگاه میکنید می بینید که ریش و قیچی تماماً دست یک



جانب یعنی خود حکومت است و نتیجه آن تعرضی سازمانیافته به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه در طول حاکمیت رژیم بوده است. بگذریم که حتی در بهترین شکل رعایت اصل سه جانبه گری و با فرض اینکه نمایندگان واقعی کارگران در آن عضویت داشته باشند، باز دو طرف آن یعنی نمایندگان دولت و کارفرمایان حامیان منافع سرمایه داری حاکم هستند و باز توازن به ضرر کارگر عمل خواهد کرد. بنابراین آنچه می تواند به رای کارگر قدرت دهد، توازن قوای مبارزاتی جامعه و فشار اعتراض خود کارگران است. از همین رو کارگران همواره در بیانیه هایشان اعلام کرده اند که ما برده نیستیم که در پشت درهای بسته و بدون حضور و دخالت خود ما بر سر دستمزد و شرایط کاری ما تصمیم گیری شود و خود با اعلام رقم عملاً از شورایی کار عبور کرده اند.

موضوع دیگر اعتراض کارگران به فقر و بی تامینی و نبود هیچگونه تناسبی بین میزان دستمزدها و نرخ واقعی هزینه های معیشتی و محرومیت از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و برخورداری از یک مسکن مناسب است. همانطور که اشاره کردم

شهلا دانشفر: کارگران از قبل با بیانیه های خود بر سر دستمزد وارد جدال بر سر دستمزد شدند و همزمان با اعلام مصوبه شورایی کار اعتراضات گسترده تری شکل گرفته است. از جمله کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به این تصمیم جنایتکارانه حکومت برای روز پنجم فروردین فوراً فراخوان به تجمع در محل سنگرشان را دادند. تجمع از شرکت شروع میشود و در مقابل فرمانداری شوش در کنار بازنشستگان تامین اجتماعی ادامه خواهد یافت. نفس این خیر نشان از یک اجتماع اعتراضی گسترده کارگری در آن روز را دارد و بدون شک بخشهای دیگر کارگری در این شهر با این اعتراض همراه هستند. و این وضعیتی است که در همه شهرها حاکم است. بنابراین اولین تاکید من اینست که نظیر همین فراخوان را باید در تمام شهرها اعلام کرد و به تدارک اعتراضاتی سراسری در تمام شهرها رفت.

دستمزد تعیین شده حکومتی و خشم کارگران
ادامه از صفحه ۵

اعتراض به فقر و گرانی اعتراض همه بخش های طبقه کارگر و کل جامعه و بستر آماده ای برای همبستگی مبارزاتی آنهاست. از همین رو تاکید دیگر من تدارک تجمعات اعتراضی سراسری و هماهنگ معلمان، بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه است. بطور مثال یک اولتیماتوم معلمان در پایان سال ۱۴۰۱ این بوده که در اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و پاسخ نگرفتن مطالباتشان اعتراضات گسترده تری را در سال جدید در دستور خواهند داشت.

نظیر همین اولتیماتوم را کارگران بخش های مختلف شاغل در نفت و دیگر مراکز کارگری داده اند. بازنشستگان تامین اجتماعی نیز روزهای یکشنبه و بازنشستگان مخابرات روزهای دوشنبه اعتراضی را دارند. با سرگیری چنین اعتراضاتی بدون شک بخشهای مختلف جامعه به حمایت از آنها برخوانند خاست.

بیانیه های جمعی کارگری علیه مصوبه شورایی عالی کار با تاکید بر خواسته های حداقلی منشور بیست تشکل و به راه انداختن طومارهای اعتراضی علیه مصوبه شورای عالی کار و سرکوب مزدی کارگران و لایحه ریاضتی دولت اشکال دیگری از زیر منگنه قرار

دادن حکومت و مهر باطل زدن بر مصوباتش و بر لایحه بودجه شان است. طومارهای اعتراضی در عین حال ابزاری برای اجماع سراسری در اعتراضات سراسری است. طومارهایی که منعکس کننده گفتمان های اعتراضات کارگران در مدیای اجتماعی و در تمام اجتماعات اعتراضی است.

تاکید دیگر حمایت از مبارزات بخشهای مختلف جامعه علیه فقر و بی تاملی است. در همین مدت نیز کارگران بخش دولتی مثل بخشی از کارگران دولتی شاغل در نفت و کلاه زردها و نیز معلولان، تجمعات اعتراضی ای علیه مصوبه بودجه دولت بر سر مزدشان و اختصاص بودجه

داشته اند و این اعتراضات ادامه دارد و باید مورد وسیعترین حمایتها قرار گیرد.

و بالاخره شکل دادن به تجمعات متحد و سراسری و همبسته و تدارک اعتصابات سراسری علیه مصوبه شورایی عالی کار و علیه فقر و گرانی و بساط دزدسالار حاکم همه و همه راههایی فوری برای مقابله با تعرضات حکومت و برای پیشروی انقلابست. به تدارک آن برویم. سال ۱۴۰۲ را به سال اعتصابات سراسری کارگر و زدن ضربه نهایی بر پیکر جانپان اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی با همه قوانین و مصوباتش باید گورش را گم کند و برود.*

جمهوری اسلامی بی روتوش
ادامه از صفحه ۴

فقر، ۲۰ هزار کارگر که ناچار شده اند برای دریافت معوقات مزدی خود دست به اعتراض و تحصن بزنند تا در مجموع حدود ۷۶۹ ماه دستمزد عقب مانده خود را طلب کنند.

سرکوب خشن و بیرحمانه اعتصابات و اعتراضات کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین اجتماعی و تهدید مداوم خانواده آنان، زیر فشار قرار دادن خانواده دادخواهان و جانباختگان، جنازه دزدی، یک بخش دائمی و جدانشدنی از عملکرد حکومت اسلامی در اعمال قهر به جامعه بوده است. امنیت کردن مطالبات برحق جامعه سرکوب بیرحمانه، انتقام گیری و محروم کردن بهائیان از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی، ممانعت از حق تحصیل حداقل ۶۴ دانشجوی بهایی در یکسال گذشته، محروم کردن از مشاغل دولتی و معاملات بانکی، مصادره اموال و تخریب خانه و زمین، راندن از محل زندگی، بستن اتهامات امنیتی به آنان، دستگیری و اعمال فشار بر فعالین عقیدتی دیگر مذاهب، رفتار قبیح و ضد انسانی با جامعه رنگین کمانیها، رفتار فاشیستی و نژادپرستانه و بشدت تحقیرآمیز با مهاجرین افغانستانی در ایران و محرومیت از حق اسکان در ۱۷ استان و ۳۷ شهر، اخراج و رد مرز کردن کارگران مهاجر افغان به بهانه غیرمجاز از کشور، دستگیری و حذف فیزیکی خبرنگاران، نویسندگان، سینماگران، هنرمندان، تهدید و عملیات تروریستی علیه فعالین سیاسی و اجتماعی در خارج از کشور، از جمله سوءقصد به جان سلمان رشدی، گروگان گیری و

آدم ربایی و ترور مخالفین، تداوم ماجراجویی تروریستی در منطقه از سوریه و یمن تا عراق و افغانستان بیوقفه ادامه داشته است.

جامعه ای که مرعوب نمی شود روشن است که جامعه علیرغم این توحش عنان گسیخته، با برپایی بزرگترین اعتراضات، اعتصابات و مقاومت شجاعانه، با جسارت کم نظیری که جهان را حیرت زده کرده است سپر به سپر جمهوری اسلامی در نبردی نابرابر ایستاده است و در بسیاری از جهات نیروی سرکوب را مقضضحانه شکست داده است. ماشین ارباب و سرکوب جمهوری اسلامی عملاً در مقابل این مقاومت کم نظیر وا رفته است. حمایت عظیم جامعه از خیزش انقلابی زن زندگی آزادی و برپایی هزاران اعتراض و تظاهرات و تجمع و تحصن و اعتصاب روحیه ستودنی جامعه علیه حکومت اسلامی را آشکارا دچار هزیمت و فروپاشی کرده است. افشای جلسه فرماندهان سپاه با خامنه ای به روشنی نشان می دهد که حکومت اسلامی تلاش کرده است با سرکوب و قساوت حداکثری و اعمال جنایت کارانه، مانع گسترش دامنه اعتراضات شود. اما مقاومت جامعه همه این ماشین سرکوب را دارد به هزیمت می کشاند و جمهوری اسلامی در باتلاق خودش گیر افتاده است! راهی جز فرو رفتن و شکست و سقوط ندارد.

دیپلماسی خونین

گزارش جاوید رحمان و سازمان عفو بین الملل فقط بخشی از کارنامه ننگین حکومت اسلامی

است. اما سابقه ممتد این کارنامه جنایی، بلافاصله این پرسش را مطرح می کند که دولت های حامی حکومت اسلامی و نیز همه دولت هایی که رابطه دیپلماتیک و سیاسی با آن دارند با کدام توجیه می توانند این همزیستی سیاسی را توضیح بدهند؟ چند گزارش سالیانه دیگر باید به پرونده قطور جنایات بی شمار جمهوری اسلامی اضافه شود تا این دیپلماسی ننگین خاتمه یابد؟ همه حامیان بی شرم این حکومت در شرارت جمهوری اسلامی سهیم اند و عملاً در مقابل مردم ایران و همه قربانیان این تروریسم سازمان یافته قرار گرفته اند.

قطع رابطه با این هیولای تروریستی، بایکوت و اخراج از همه نهادها و کنوانسیون های بین المللی اولین گامی است که در رابطه با جمهوری اسلامی باید برداشته شود. بلافاصله باید بر اساس اصل صلاحیت قضایی، همه سران حکومت اسلامی دستگیر و محاکمه شوند.

قابل پذیرش نیست که چنین گزارشی با این حجم از جنایات سازمان یافته حکومتی که نص صریح جنایت علیه بشریت است، ارائه شود و رابطه دولتها با آن کماکان ادامه یابد. پاسخ این حکومت نمی تواند فقط

تحریم های تاکنونی باشد. بدیهی است که برای مردم ایران که بیش از چهار دهه قربانی و هدف مستقیم جنایات حکومت اسلامی هستند، مسئله کاملاً روشن است. این حکومت را باید به زیر کشید و نابود کرد. این عزم و آزاده خیزش انقلابی زن زندگی آزادی است.

پرونده های مخدوش در بیدادگاه های بشدت ناعادلانه اعدام شده اند. در محاکمات ساختگی و فرمایشی با جرائم نخ نما و پاپوش دوزی و پرونده سازی جهت ایجاد رعب و وحشت در جامعه، با احکام قاضی های جنایتکاری چون آصف الحسینی و صلواتی معروف به قاضیان مرگ، در ۱۷ آذر سال جاری، محسن شکاری، در ۲۱ آذر مجیدرضا رهنورد، سپس در ۱۷ دی ماه، محمدمهدی کریمی و سید محمد حسینی از دستگیرشدگان اعتراضات اخیر به دار آویخته شدند.

همچنین طی یک سال اخیر، حکم حدود ۱۰ هزار ضربه شلاق صادر شده است که بنا به رأی دادگاه و اجرای احکام ۴۵۰ ضربه شلاق به اجرا درآمده است. بیش از ۴۰ شکنجه گاه و زندان غیر علنی در شهرهای مختلف ایران شناسایی و مشخص گردیده است که محل بازجویی و اعتراف گیری از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر بوده است.

سازمان دادن حملات شیمیایی به مدارس عمدتاً دخترانه و مسموم کردن بیش از ۱۳ هزار دانش آموز با گازها و مواد شیمیایی سمی که منجر به قتل دو دانش آموز گردید، برگ دیگری از این پرونده سراسر جنایت است.

زیر خط فقر قرار دادن بیش از ۹۰ درصد جامعه، اخراج و بیکارسازی بیش از ۲۰۰ هزار کارگر در مراکز مختلف کارگری، به گروگان گرفتن دستمزد زیر خط

سرداران سپاه: در آستانه فروپاشی هستیم ادامه از صفحه ۲

سردوشیهایی که با دست مبارک حضرت آقا دریافت کرده ام تقدیم ایشان کنم و بروم در خانه آبرویم جلوی خانواده ام حفظ شود".

از هزاران استعفا و کنار کشیدن از نیروها نیز بحث میشود. سرهنگ عباس بنائی خیرآبادی میگوید "عده ای از نیروهای من هم در اعتراضات و صحبت‌های صف های آمادگی برای اقدام، تجهیزات خود را زمین گذاشته و اعلام کردند اینها خانواده ما هستند و اعتراضاتشان بر حق است. در این میان افرادی که نیروهای بیسیم ما هستند که در مواقع درگیریها و جلوگیری از اغتشاشات مسیره‌های غیر واقعی برای نیروهای کف صحنه میفرستند و وقتی علت را بعدها دنبال کردیم گفتند که ما با مردم درگیری نداریم و حتی در مقابل بازداشت و توبیخ هم با لبخند و راضی از خود وارد بازداشت شده اند".

سرتیپ حسین حکمتیان فرمانده نیروهای حکومت در کهگیلویه و بویر احمد میگوید "مشکلات و مساله تپیها و یگانها و لشکرهای رزعی عدم توانایی تامین نیرو برای اغتشاشات خیابانی است. نیروهای تیپ چهل و هشت حاضر به حضور در خیابان و سرکوب مردم نیستند. مقابله با اغتشاشات را جایی که میتوانند عهده نمیگیرند و در مقابله با مردم عقب می ایستند. در مواردی گزارشهایی در درز اطلاعات حرکتی به سمت شهرهای مورد اعزام از طرف این نیروها به نیروهای مردمی دیده شده است که در چند مورد کاروان در حرکت این نیروها با مشکلات جاده ای مواجه شده است".

رانت خواری و پارتنری بازی

سرتیپ علیرضا صدرنیا میگوید "در دولت جدید که بیسواد مدیران در اوج خودش است. مدیرهایی من در استان البرز میشناسم که حتی نمیدانند حوزه مدیریتشان چه کاری انجام میدهد، هنوز بر صندلی مدیریت تکیه نکرده است که نصف فامیل خود را به محدوده مدیریت خود فراخوانده و مشغول به کار میکند. .. مشکلات کشور را حضرت آقا بیسواد بعضی از مدیران رده های ارشد و میانی کشور به وجود

آورده اند. مدیر منطقه ای برق استان البرز هنوز تفاوت مگوات و کیلو وات را نمیداند.. خبر دارم رئیس کمیته امداد شهر کرج بیش از صد و پنجاه نفر از فامیلیهای خود را مددجوی ناتوان معرفی کرده است بدون آنکه تحقیقی شود که داراییهای آنها سر به فلک میکشد. گاهی از آدرسهای دیگر استفاده کرده اند.

رشوه خواری و فروش اطلاعات

یک جنبه دیگر از وضعیت درونی حکومت که در این سخنان به آن اعتراف میشود جریان وسیع رشوه خواری و فساد و فروش اطلاعات در میان سربان و افراد بالای سپاه است. دریادار علی رضا تنگسیری میگوید " ما در نیروی دریایی بارها ماموران ارشدی را که با قاچاقچیان کالا و حتی مواد مخدر و اسلحه تباری کرده بودند در ساعات مختلف شبانه روز مسیره‌های دریایی و رودخانه‌های را باز گذاشته بودند برخورد کردیم، در این برخوردها تعدیل بوده، خلع درجه بوده و اخراج و دادگاه نظامی هم بوده است".

سرتیپ رحیم نوعی اقدم میگوید "پیش دستی نیروهای اسرائیلی در پنج عملیات به ما نشان داده است که مساله نفوذ یا عدم همدلی و عدم تمایل نیروها به باقی ماندن در مرزهای اسرائیل، آنها را به راههای غیر قابل تصویری وارد کرده است. فروش اطلاعات برای کاستن فشار زندگی در شکل اول و در شکل دوم عدم تمایل به جنگهای روزانه و هفتگی و خستگی نیروها و عدم درک صحیح از موقعیت کنونی کشور و مساله اغتشاشات در کشور نیروها را با تضاد مواجه کرده است.

سرتیپ دوم علی جمعه ملک شاه کوهی میگوید "درز و نشر اطلاعات اصلبترین مشکل در دستگاههای امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی و فرهنگی کشور است. در همین مدت (انقلاب) بیش از چندین هزار نفر سرپیچی و تمرد و دستگیری داشته اند، آن هم در مساله ای که پیش آمده به بهانه کشته شدن يك دختر، کشور به مرحله بحران هم خواهد رسید.. این مساله شوخی نیست. سیستم مثل موریانه خورده میشود".

سردار محمد مارانی فرمانده نیروهای سیستان و بلوچستان میگوید ".. در روزهای گذشته گزارشات نشان میدهد که تعدادی از نیروهای نظامی که در مرزهای شرقی کشور هستند، تمایلات خاص برای خارج شدن از

مرز و تسلیم اتاقل و قلعه های مرزی را به ضد انقلاب در سر دارند".

هر دولتی باشد سقوط میکند
مخالفت در میان نیروهای رده پایین حکومتی به ثروتهای عظیم بالایی ها یک بخش دیگر از سخنان سران سپاه است. میگویند در درون نیروهایشان مخالفت جدی ای به اینکه بالایی ها در ناز و نعمت زندگی میکنند وجود دارد. یکی شان میگوید یک افسر پاسدار به من عکس ساعت لوکس پسر شمشانی را نشان داده و گفته است قیمت این ساعت به اندازه ۴ سال حقوق خدمت من است. بعلاوه میگوید گمرکات موظف هستند وسایل لوکس خانواده های سرداران سپاه را از خارج تامین کنند و این هم یک موضوع نارضایتی و اعتراض در میان رده های پایین است.

اما مشکل اصلی اینها معیشت نیست. سرتیپ دوم محسن کریمی از فرماندهان نیروهای اراک میگوید "حضرت آقا در نیروی نظامی اراک میزان اعتقاد به نظام از بیش از پنجاه درصد کمتر شده است. ما چه کردیم که اعتقادات افرادی که التزام فکری و عملی به نظام داشته اند از دست رفته است. حضرت اقا نیروی تحت امر من در رده گروهبان و استوار هم این روزها التزام به نظر فرمانده ندارد و به نظر من مسائل از میزان سختی زندگی و بحثهای متعددی که دوستان مطرح کرده اند گذشته است. نیروی من امروز در روبروی من سر صف صبحگاهی میایستد، اعتراض میشود، بازداشت میشود، دادگاهی میشود، اما خم به ابرو نمیآورد. این تضاد نیست؟ تضاد اعتقادی مساله دار شدن است"

سرتیپ محسن کریمی از عبور رده های پایین سپاه از جمهوری اسلامی سخن میگوید "به جرات میتوانم عنوان کنم بسیاری از نیروهای ما از نظام حتی عبور کرده اند. شاید آقایان نخواهند و نتوانند بیان کنند که در واحدهای آنها چه خبرهایی است، اما من مستقیماً خدمت رهبری عرض میکنم که بسیاری از نیروهای نظامی از نظام عبور کرده اند و خود را برای سیستم جایگزین آماده میکنند"

او در ادامه تاکید میکند "مشکل کشور، مردم آگاه شده از اسرار و مگوهای نظامی هستند. دولت هر دولتی باشد نظام هرنوع نظامی باشد، در این شرایط سقوط میکند".

سرتیپ هدایتالله امیری میگوید " من توضیح بدهم که همین مردم را ما اسلحه دادیم، آموزش دادیم و لباس فرم داده ایم و شده است نظامی و یادمان باشد که این نظامی شب در خانه اش لباسش را در میآورد و میشود مردم و همین آدم سفره اش در خانه برکتی ندارد و نانی در سفره ندارد و مشکلات منزل و خانواده و مشکلات اعصاب و روان او در خیابان به خانه منتقل شده و کانون خانواده او تحت تاثیر قرار میگیرد. ما با يك جامعه تنیده شده در هم روبرو هستیم".

اعتراف به هوشیاری و آگاهی مردم

سرلشگر غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا به هوشیاری و آگاهی مردم اعتراف میکند و میگوید "امروز ما با مردم هوشمندی سر و کار داریم که این مردم بر پایه شبکه های اجتماعی اطلاعات و اخبار راست و دروغ را در اختیار دارند ما حتی در دور جدید اعتراضات نتوانستیم اینترنت را از آنها بگیریم. خدا لعنت کند آل سعود و پیشرفت تکنولوژی در جهان را که توانست مساله قطع اینترنت را نا کارآمد کند و از طرف دیگر باید بدانیم حربه های امنیتی دیگر کارساز نخواهد بود و اگر این اعتراضات خاموش شود و سال دیگر باز اتفاق جدیدی شود مقابله با آن سختتر است. از طرف دیگر باید بدانیم حربه های امنیتی دیگر کارساز نخواهد بود و اگر این اعتراضات خاموش شود و سال دیگر باز اتفاق جدیدی شود مقابله با آن سختتر است".

ناتوان در برابر "خروش مردم"

قالی در این نشست روشن است که بشدت از برخورد فرماندهان سپاه عصبانی است اما حرفی برای گفتن ندارد. او اعتراف جالبی میکند. میگوید "صحبت‌های آقایان را که من شنیدم احساس کردم که به واقع علی تنهاست". منظورش سیدعلی مانده است و حوضش! و بعد ادامه میدهد "از نظر نیروی قدس هر کسی با هر تفکری میتواند در چارچوب امنیت سرزمینی ما زندگی کند و اعتراض خط قرمز است و توهین به رهبری نظام غیرقابل بخشش".

سرتیپ دوم محمد عبدالله پور میگوید "در روزهای اخیر شهرستانهای استان گیلان درگیر مسائل و مشکلات مختلفی از ادامه در صفحه ۸

سرداران سپاه: در آستانه فروپاشی هستیم ادامه از صفحه ۷

طرف مردم، شیلات و کارگران بوده است. در این میان نیروهای امنیتی و انتظامی در این استان در مقابل خروش مردم توان ایستادگی نداشتند. اینکه میگویم "خروش مردم" میخوام تفاوت را با اغتشاشات قبل به تصویر بکشیم. در اغتشاشات قبل حرکتها و نتیجه ها مشخص بود، یعنی اگر کسی در خیابان وارد میشد از زمان ورودش تا زمان ارشاد و بازگشت به خانه یا زندان برنامه ریزی شده بود. این دفعه توان مقابله با دسته های مختلف مردم یا همان تعبیر خروش مردم که آوردن نشان میدهد ما هیچ برنامه

ای برای سرکوب یا عقب راندن این افراد که به واقع مردم هستند، نداشته و نداریم و در آینده هم نخواهیم داشت. جز يك معجزه که بتواند توان و قدرت مردم را کمتر کند".

اعترافات فرماندهان نظامی حکومت اسلامی پرده از واقعیاتی مهم پر میدارد که ما تحلیلا بخش اعظم آنها را میدانستیم اما اعتراف کارکشته ترین و دلسوزترین و جنایتکارترین مهره های حکومت، تاییدی است بر حقانیت کامل این تحلیلها و باید به هرکسی این انرژی و امید را بدهد که جمهوری اسلامی را میتوانیم در آینده نزدیکی با ادامه انقلابمان بطور قطع به زیر بکشیم. فرماندهان حکومتی در برابر خامنه ای طبعاً با درجه زیادی از سانسور و ملاحظه کاری حرف خود را میزدند اما در همان

میشود، تنها میتواند به این روند سرنگونی و سقوط حکومت لطمه بزند. انقلاب زن زندگی آزادی، ادامه دارد و با صلابت تمام به کل سیستم حاکم پایان خواهد داد. افراد و اعضای نیروهای سرکوب حکومت اگر یک ذره آینده نگری و عقل معاش داشته باشند باید هرچه سریعتر از این کشتی در حال غرق شدن و این دستگاه کثیف و نپادهای نظامی و غیرنظامی فاصله بگیرند و به هر شکل ممکن در کنار مردم قرار گیرند. این هم بنفع مردم و هم به نفع زندگی خود آنهاست.*



داشته باشد. «هم باید به جد برخورد کنند هم نباید حتی یک نفر را از دست بدهند!

این جلسه مربوط به ۱۳ دیماه بود. ابادری مشاور فرمانده سپاه در ویدیویی که از او روز ۸ دی در صدا و سیما حکومت منتشر شده گفته بود: "کسان زیادی را دیدیم بریدند. به چشم خود دیدم سرداران بزرگی که کم آوردند، مقابل ارزشها ایستادند، مقابل آقا ایستادند، مقابل نظامی ایستادند". او در این سخنرانی به خواص، به مسئولان درجه یک نظام، فرماندهان ارشد سپاه و روحانیون بلندپایه‌ای که "بیت‌شان کلی برو و بیا دارد" و مقابل خامنه‌ای ایستاده‌اند اشاره کرد. روز ۹ دیماه نیز غلامحسین غیب‌پرور جانشین خامنه‌ای در سپاه ضمن اشاره به تردید در صفوف حکومت از "سکوت برخی خواص" در جریان اعتراضات سراسری انتقاد کرد و گفت که "آنها انقلاب (یعنی نظام و خامنه‌ای) را تنها گذاشتند". خامنه‌ای هم قبل از آن در دیدار با غلامعلی حدادعادل گلایه کرده بود "که چرا برخی خواص سکوت کرده‌اند". به فرماندهان نیز گفته بود مبادا خود را ببازید. در آن روزها چندین خبر از سر به نیست شدن تعدادی از فرماندهان رده بالای سپاه نیز منتشر شده بود از جمله بدلیل سقوط از بالکن خانه.

ادامه در صفحه ۹

جلسه علیه یکدیگر و علیه مجتبی خامنه ای و علیه بالاترین فرماندهان و وزرا و دولت رئیسی موضعگیری میکنند. خامنه ای و قائمی و شمخانی در جواب این فرماندهان ناراضی حرفی برای گفتن نداشتند و تنها به موعظه های توخالی بسنده کردند. اعتراف بالاترین فرماندهان این حکومت به اینکه حکومتشان در آستانه فروپاشی است و اینکه "هر حکومتی باشد در این شرایط سقوط میکند" به خودی خود کاملاً گویاست و باید کاری کرد که این حکومت هرچه زودتر سقوط کند. نباید به آنها فرصت داد که خود را بازسازی کنند. هر اعتراض و تجمع و اعتصابی در این شرایط ضربه ای به روحیه آنهاست. تلاشها و تقلاهایی که برای حفظ سپاه و ارتش و نیروهای نظامی این حکومت توسط جریانات راست

هدف توپخانه خود قراردادده بود. «سرتیپی به اسم کریمیان به خامنه‌ای گفت: «نمیشود با کسی که درد نان دارد مسلحانه عمل کنیم. وضع مردم خراب است. مردم برای روزی ۵۰ هزار تومان صبح اول وقت میروند سر کار کارگری میکنند بعد نمیشود با گوله ۱۵۰ هزار تومانی تولید داخل و خارج مزدشان را بدهیم.» و این یک تم صحبت همه فرماندهان بود.

در مجموع این جلسه خود یک جلسه اعتراضی و بحرانی بود. کسی نه راه حلی ارائه کرد و نه راه حلی داشت. تاکید خامنه‌ای غیر از مقداری نصیحت که کار اعتقادی بکنید، این بود که در موضوع خانواده‌های نیروهای مسلح ریاست محترم قوه قضاییه دستورالعملی را ابلاغ کنند که در مورد این افراد آسان رفتار شده و تسریع پرونده و آزادی آنها در دستور کار قرار گیرد و به تامین مالی آنها توجه شود. اما بسیاری از فرماندهان جواب تامین مالی را هم داده بودند که حتی اگر مساله تامین مالی حل شود با بی‌اعتقادی آنها چه میتوان کرد! خامنه‌ای در مورد مساله بی‌اعتقادی هم دچار تناقض بود «دستگاههای مربوطه میتوانند بررسی کنند و به جد با مساله برخورد کنند، اما در شرایط کنونی کشور با توجه به همین مشاوره‌های کلامی فرماندهان، از دست دادن نیروها حتی یک نفر میتواند موج تخریب روحیه و عدم توانایی مدیریت را به همراه

رنجهای نیروها صحبت کردند و من در این میان نشنیدم که یک صحبتی هم در مورد نیروهایی شود که همچنان با همه مشکلات کشور بر ایمان خود استوار مانده‌اند. «اما بحث فرماندهان این بود که این نیروهای ارزشی وسیعاً و بعضاً تا ۶۸ درصد ریزش کرده‌اند، استعفا میدهند، سرکار حاضر نمیشوند، تحصن و تجمع اعتراضی میکنند، حاضر به مقابله با مردم نیستند، «میگویند نظام برای ما چه کرده که از او دفاع کنیم.» «بسیاری از نیروهای ما از نظام عبور کرده‌اند و خود را برای سیستم جایگزین آماده میکنند» یا بخاطر پنج میلیون تومان به اسرائیل اطلاعات میفروشند یا میخواهند خود را به خارج کشور ثابت کنند. در حین عملیات اطلاعات گمراه‌کننده به فرماندهان بالاتر میدهند، با معترضین همراهی میکنند، «امروز صبح روبروی مردم ایستاده است ممکن است بعد از ظهر و عصر خود را در میان معترضین سپری کند که بسیار پرونده‌های اینگونه گزارش شده است و بعد از آن شب در منزل خود کنار همان افرادی از خانواده است که وسط خیابان بوده اند. «سرلشکر غلامعلی رشید به فاکت مهمی اشاره کرد: «در همین مدت آغاز اعتراضات ما سه بار تمرد از دستور و اقدام خودسر به معنی اقدام به آتش کردن توپخانه برای هدف گرفتن اهدافی در تهران را پشت سر گذاشته‌ایم که موردی از آن محل بیت رهبری را مقصد

اعتراف فرماندهان سپاه به قدرت مردم و پایان حکومت ادامه از صفحه ۴

همه فرماندهان را داریم و جالب بود که فرماندهانی که بعد از او صحبت کردند او را بخاطر تهدیدش مورد اعتراض قرار دادند. صحبت مسئول سازمان بسیج طلاب و روحانیون نیز قابل توجه بود که گفت: «در دوره های مختلف خدمتی در نهادهای مختلف هیچوقت با چنین مسائلی برخورد نداشته‌ام. مساله ترك لباس مقدس روحانیت، ترك لباس مقدس بسیج و مساله تضاد در نیروهای اعتقادی در میان طلاب و روحانیون در دو ماهه گذشته، حوزه نمایندگی ولی فقیه و عقیدتی-سیاسی ارگانهای سپاه را به شکل زیادی متعجب کرده است. آنها به احکام صادره برای مجازات توسط قوه قضائیه اعتراض دارند. آنها در بحثها نوع برخورد با مردم را توسط قوه قضائیه با انتقادهای تند و اهانت به مراجع و شخص رهبری پاسخ میدهند.»

خامنه‌ای که آخرین نفری بود که صحبت کرد گفت: «فرماندهان در همین صحبتها که نزدیک به دو ساعت است در مورد نیروهای نظامی و تامینی کشور صحبت کرده‌اند به صورت مداوم از مشکلات و دردها و

نگاهی به سال زن زندگی آزادی ادامه از صفحه ۳

آزادیخواهانه این انقلاب است. این سه کلمه به طور ریشه ای و تنگاتنگی به هم مربوط هستند. وقتی مردم شعار میدهند زن زندگی آزادی به نوعی زندگی را، حرمت و کرامت زندگی، یعنی همان معیشت و منزلت که همیشه جامعه، بخصوص کارگران و بازنشستگان و معلمان خواستار آن بوده اند، را گره میزنند به آزادی زن. همینطور آزادی کل جامعه را به موقعیت و مقام زن مرتبط میکنند و این رابطه بخصوص در جامعه ایران یک عینیت و واقعیت است. میشود گفت در سراسر جهان اینطور است ولی بویژه در ایران خیلی روشن است که جمهوری اسلامی پایمال کردن حقوق زنان و باید

گفت جنایت علیه زنان را مانند شمشیر و اسلحه ای علیه کل جامعه بکار گرفته است. حجاب و آپارتاید جنسی سمبل و نماد حجاب اختناق بر کل جامعه است. شعار زن زندگی آزادی بیان دیگری از این واقعیت است که آزادی جامعه در گرو آزادی زن است. ما کمونیستها همیشه اعلام کرده ایم که هیچ جامعه ای بدون آزادی زن آزاد نیست. بخصوص در جامعه ایران این امرصدها بار بیشتر از هر جامعه دیگری صدق میکند.

از طرف دیگر کلمه زندگی در این شعار به کرامت و معیشت و یک زندگی انسانی درخور انسان قرن بیست و یکم اشاره دارد. زندگی با سطحی از رفاه که همه مردم بتوانند در آرامش زندگی کنند و نیازهایشان برآورده شود. دیگر غم نان اینطور زندگیها را مچاله نکند و زندگی همه بالای "خط رفاه" باشد و نه چندین مرتبه زیر خط فقر. زندگی به این معنا جزئی

از شعار محوری انقلاب است و آن هم کاملا به حرمت انسانها و آزادی همه جامعه و بویژه به آزادی و احقاق حقوق زنان مربوط میشود.

به این اعتبار باید گفت سه کلمه زن زندگی آزادی ارتباط واقعی و ریشه ای با یکدیگر دارند و کل شعار زن زندگی آزادی که به پرچم و نماد انقلاب تبدیل شده است دارد به همه اعلام میکند، به همه مردم در سراسر دنیا، که انقلاب بر سرچه خواستههای انسانی و آزادیخواهانه ای است. و به نظر من رمز احترام و حمایت جهانی که انقلاب بخود جلب کرده همین خصلت عمیقاً انسانی و جهانشمول این شعار است.

حسن صالحی: علیرغم توصیفات شما از این شعار بعضی ها معتقدند این شعار باندازه کافی وجه تمایز نیروهای مختلفی که در انقلاب شرکت دارند را بیان نمیکند. خیلی ها از چپ و راست شعار زن زندگی آزادی را سر

میدهند و برخی با توجه به این خصلت سراسری، از انقلاب ملی صحبت میکنند. پاسخ شما به این طیف از فعالین چیست؟

حمید تقوایی: در فرهنگ سیاسی ایران ملی به معنی سراسری نیست. ناسیونالیسم ملت و ملی را بجای مردم نشانده ولی توده مردم تصویر دیگری از سراسری بودن انقلابشان دارند. اگر انقلاب جاری تحولی ملی بود همین را صریحا اعلام میکرد. این انقلاب زن زندگی آزادی است و نه آنطور که سلطنت طلبان تبلیغ میکنند یک تحول ملی- میهنی. سلطنت طلبان رو به گذشته دارند و از فجایی که جمهوری اسلامی ی بار آورده به این نتیجه میرسند که گویا باید به ۵۰ سال قبل بازگشت.

این نیروها به معنی صریح و مستقیم کلمه ارتجاعی اند چون خواهان رجعت به گذشته اند. در حالی که این انقلاب با پرچمداری ادامه در صفحه ۱۰

اعتراف فرماندهان سپاه به قدرت مردم و پایان حکومت ادامه از صفحه ۸

بدنبال این جلسه بحث عفو عمومی مطرح شد و تعدادی از زندانیانی که قبل از شروع انقلاب در زندان بودند و ۲۲۰۰۰ نفر از معترضان به گفته اژهای آزاد شدند.

این سند که مهمترین سندی است که تاکنون افشا شده است نکات مهم زیادی دارد که همه دال بر بحران عمیق در سپاه است. بخشی از صحبت فرماندهان که به مردم و بویژه نسل جوان مربوط میشد نیز بسیار جالب است. وضع نیروی نظامی و روحیه بالا تا پایین آنها بحرانی است اما به اعتراف فرماندهانی که از استانهای مختلف و ردههای سنی مختلف صحبت میکردند روحیه مردم و اعتقاد آنها به پیروزی بطور عجیبی بالا است. اسماعیل خطیب، وزیر سابق اطلاعات در این جلسه گفت: «رده سنی چهارده تا سی سال بزرگترین عناصری بودند در این اغتشاشات که علمی و عملی در کف صحنه حضور داشتند. این افراد کار کردن با رسانه‌های

اجتماعی را خوب درک کرده به طوری که پرسنل متخصص وزارت گاهی عقب میماند و باید به تهدید این افراد دست بزند. ما در دوره های مختلف این مساله را نداشتیم که بخواهیم برای خانه نشین کردن يك بچه چهارده ساله متوسل به تهدید او بشویم. بر اساس گزارشات مکرر در بخشهای مربوطه به مدیریت بحران در وزارت اطلاعات، کارشناس مربوطه به من گزارش کرده که این رده سنی ترسی از زندانی شدن، تهدید شدن یا افشا شدن برای خانواده و جامعه ندارد

و افشا شدن خود را افتخار یا بزرگی در میان دوستانش میدانند. ما با چه وسیله ای میتوانیم او را تطمیع کنیم؟ از روزهای ابتدایی این اغتشاشات ما تنها متوسل به راهکارهایی بوده ایم که بتوانیم در مقابل نوجوانان و جوانانی بایستیم که ترس از هیچ موردی ندارند. به عنوان مثال در گذشته استفاده از شگردهای خانوادگی در اعتراف سریع از متهم به سرعت کار میکرده و تهدید خانوادگی یکی از عواملی بوده است که متهم سریعاً میشکند و موارد مد نظر را روشن اعتراف میکند. این جرات و توان مقابله با بازجویی را ما در هیچ دوره ای در جریانهای ضد انقلاب یا حتی منافقین ندیده بودیم. آن افراد آموزش دیده بودند در مقابل بازجویی شدن، اما

این نوجوان یا جوان که آموزش ندیده است. میخواهم بگویم ما با يك شهامت فردی بدون آموزش روبرو هستیم.» و یکی دیگر از فرماندهان میگوید که ۴ میلیون از رده سنی ۱۴ تا ۱۸ ساله مخالف حکومتند و این یعنی ۷۳ درصد از جمعیت ۵ و نیم میلیونی این رده. خطیب همچنین از «۴۰۰ گروهک مسلح، ۵۰۰ شبکه خبرسان داخلی برای هماهنگی تجمعات و ۱۵۰۰۰ گروه محله‌ای «صحبت کرده است که درجه بسیار بالایی از سازمانیافتگی جوانان را نشان میدهد.

افشای این سند تاثیر مستقیمی بر خود نیروی سرکوب و بویژه بدنه آن خواهد گذاشت. با آگاهی از این سند هر عضو نیروی سرکوب به ابعاد نارضایتی در صفوف نیروهای نظامی و مشخصاً سپاه و بسیج پی میرسد و بی‌روحیه‌گی و نارضایتی اکثر قریب به اتفاق فرماندهان و به همین دلیل ناتوانی حکومت در سرکوب نظامیان ناراضی و متمرد را بیشتر به او نشان میدهد. این سند بحران نیروی سرکوب را عمیقتر و گسترده‌تر و وحشت در صفوف بالایی‌ها را تشدید میکند.

ما بارها در مورد ناتوانی حکومت، بن‌بست‌های لاعلاج اقتصادی و سیاسی، تشمت در

صفوف حکومت و حتی ترس از سرکوب بیشتر بخاطر عدم آمادگی نیروی سرکوب و تمرد و خطر درگیری میان نیروهای سرکوب صحبت کرده بودیم. این جلسه اما فاکت‌های زیاد و بیش از آنچه قابل تصور بود را در اختیار مردم گذاشت. مردمی که در حال انقلاب هستند نارضایتی عمیق نیروی سرکوب، بحران عمیق بالاترین سطوح سپاه، روحیه خانوادگی آنها و ناتوانی حکومت در مقابل با مردم از یک طرف و از طرف دیگر توانایی و روحیه بالای مردم و ایمان به پیروزی بر حکومت را اینبار از زبان بالاترین فرماندهان سرکوب میشوند و این آنها را در تداوم انقلاب بسیار قدرتمندتر و با اعتماد بنفس‌تر خواهد ساخت.

این سند قدرت مردم و پاپان جمهوری اسلامی را به همه مردم انقلابی و مشتاق آزادی آشکارتر از هر بحث و تحلیلی نشان داد. نشان داد که انقلابی که از ششماه قبل شروع شده خاموش شدنی نیست. نشان داد که هیچ معجزه‌ای حکومت را نجات نخواهد داد. افشای این سند توسط فرماندهان سپاه یا سایر محرمان حکومت عیدی بزرگی به مردمی بود که در حال فروپختن بساط حکومت‌اند.

نگاهی به سال زن زندگی آزادی ادامه از صفحه ۹

نسل دهه هشتادها تماما رو به آینده دارد. آینده ای که حتی از متمدن ترین کشورهای امروز فراتر برود. انقلاب جاری میخواید آزادی، انسانیت و زندگی را در ابعاد تازه ای معنی و تبیین و متحقق کند. این نه انقلابی ملی است، نه انقلاب اسلامی است، نه انقلاب استقلال طلبانه است، نه انقلاب صنعتی شدن است، نه انقلاب مقابله با امپریالیسم است، و نه انقلاب ضد خارجی است. این اولین انقلاب زنانه تاریخ و انقلابی است با پرچم زن زندگی آزادی. انقلابی است که از نظر سلی حکومت جمهوری اسلامی را نمیخواهد و در کنه خودش علیه آن نظامی است که به چنین حکومت آدمخواری برای حفظ خودش نیازمند است. یعنی نظام پاسدار منافع آیت الله های میلیاردر و اقلیت مفتخور سرمایه دار که خون مردم را در چهار دهه اخیر تحت لوای اسلام و قبلش تحت نام سلطنت و آیکون "خدا شاه میهن" در شیشه کرده است؛ با مقدساتی نظیر خاک پرستی، گذشته پرستی، خرافات اسلامی، نیاکان و امثال اینها.

ببینید، همه مدعی آزادی اند، همه مدعی دفاع از شعار زن زندگی آزادی هستند ولی چیز دیگری را هم به آن سنجاق میکنند. و مشکل همین جاست. شما وقتی آزادی انسان را با واسطه امر مقدس و آرمان دیگری تعریف میکنید در واقع هدفان همان امر دیگر است. کسی که مدعی است دفاع از میهن یعنی دفاع از آزادی در واقع میخواهد به اسم آزادی، میهن را برجسته کند و ما میدانیم که به نام دفاع از میهن چه جنگهایی که بر پا نشده است. برای حفظ میهن باید جان فدا کرد، باید کشت یا کشته شد، جنگهای جهانی حول دفاع از میهن برافزوده، همه حکومتهای زورگو و مستبد و دیکتاتورهای نظامی و غیرنظامی، از سلاطین و شاهان تا رئیس جمهورهای مادام العمر، همیشه به اسم میهن و ملت سر آزادی را بریده اند، تحت نام امنیت ملی مخالفان را سرکوب کرده اند و تحت لوای دفاع از خاک و مرز و بوم، جنگهای منطقه ای و جهانی برافزوده اند. از هیتلر و پینوشه تا اردوغان

و سیسی و هر دیکتاتور دیگر همه میهن پرست بوده اند. در ایران جمهوری اسلامی همین نقش را اسلام حاکم ایفا میکند. در راه خدا فداکاری کنید و بکشید و کشته بشوید چون اسلام در خطر است. یکی میگوید میهن در خطر است، یکی میگوید اسلام در خطر است! ما میگوئیم خود انسانیت در خطر است. و برای نجات انسانیت باید بخاطر خود انسانیت جنگید. موضوع به همین سادگی و سراسر است. به پرچم دیگری که با واسطه آن ظاهرا به انسان برسید، یا در واقع امر دیگری را به آنها غالب کنید، نیازی نیست. زن زندگی آزادی خیلی صریح و روشن میگوید انقلاب بر سر چیست. بر سر رهایی زن است، بر سر حرمت و کرامت و معیشت انسانی است، و بر سر آزادی کل جامعه است، آزادیهای بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل و اعتصاب و تحزب و غیره و غیره. یک رنسانس ضد مذهبی ضد استبدادی ضد مردسالاری ضد حکومت مافوق مردم در کنه این شعار خوابیده است. ضدیت با بیرقهای که همیشه منافع یک درصدیها، منافع طبقه حاکمه، را نمایندگی میکرده است جوهر این انقلاب است. و واضح است که چنین انقلابی عمیقا متحد کننده است.

می پرسید چرا شعار زن زندگی آزادی تمایزها را نمیگوید؟ به نظر من روشن تر از این نمیشود تمایز ۹۹ درصدیها با یک درصدیها را بیان کرد. بحث بر سر تمایز میهن پرست با غیر میهن پرست یا مسلمان با غیر مسلمان و یا ایرانی با خارجی نیست. مساله بر سر تمایز بین کسی که مشروطه میخواهد با دیگری که سلطنت مطلقه میخواهد و یا با کسی که آزادی را با پارلمان و دموکراسی معنی و تداعی میکند، هم نیست. انقلاب دارد میگوید زن زندگی آزادی و نه "زن زندگی میهن" و یا "زن زندگی دموکراسی". تلاش کردند "مرد میهن آبادی" را برجسته کنند اما کارشان نگرفت. جامعه جواب مثبتی به این نوع تلاشها نمیدهد

من فکر میکنم باید شعار زن زندگی آزادی را بدون هیچ اضافات و ملحقاتی تبیین کرد، معنی اش را توضیح داد و پرچمش را برافراشت. اگر میخواهید منشوری بدهید، اگر میخواهید پلتفرم و مانیفستی برای انقلاب بنویسید، لطفا در همان چارچوب

زن زندگی آزادی حرفتان را بزنید. جامعه ایران بیش از صد سال است زیر شعار "خدا شاه میهن" به خود پیچیده است. انقلاب زن زندگی آزادی یعنی درهم شکستن این بیرق دیکتاتوری و ارتجاع و جایگزین کردن آن با پرچم جهانی "زن زندگی آزادی". محور و آیکون جامعه ایران آزاد فردا زن زندگی آزادی است و مطلقا نه هیچ چیز دیگری.

حسن صالحی: روند تا کنونی انقلاب را چگونه میبینید؟ انقلاب از نظر شما چه دستاوردها و پیشرویهایی داشته است؟

حمید تقوایی: به نظر من انقلاب تا همینجا دستاوردها و پیشرویهایی کاملا ملموسی داشته است. من فقط به آخرین تحولات سال گذشته اشاره میکنم که نمادی میتواند باشد از کل روند انقلاب.

بگذارید از ۲۷ بهمن شروع کنیم که بعد از یک دوره افت نسبی در اعتراضات خیابانی، با فراخوان نزدیک به ۵۰ تشکل دانشجویی، جوانان محلات، دانش آموزان، پزشکان، سازمانهای آزادی زن و غیره، جامعه در سطح نسبتا گسترده ای بمیدان آمد و بعد از آن برآمدهای ۱۶ اسفند و ۱۷ اسفند، روز جهانی زن، را داشتیم. اعتراضات خیابانی ۱۶ اسفند با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در اعتراض به حمله شیمیایی حکومت به مدارس شکل گرفت و ۱۷ اسفند یا ۸ مارس در بزرگداشت روز جهانی زن با فراخوان بیش از ۵۰ تشکل که اشاره کردم. آخرین حرکت هم اعتراضات چهارشنبه سوری و سه شنبه قبل از آن به فراخوان همین تشکلهای بود. در چهارشنبه سوری هر ساله جامعه به نوعی اعتراض کرده است ولی امسال با فراخوان شبکه ۵۰ تشکل از یک روز قبل مردم به استقبال این مراسم رفتند و همانطور که اشاره کردم بسیار کوبنده تر و صریح تر از هر سال حکومت را بجالش کشیدند.

این تحولات سال گذشته این را به ما نشان میدهد که خیابان دیگر نه تنها فراخوان دهنده بلکه هدایت کننده و سازماندهندگان معتبری دارد. این تحولاتی که نام بردم بدون تدارک و سازماندهی از پیشی رخ نداد. اینطور نبود که تشکلهایی صرفا فراخوان دادند و مردم به خیابان آمدند. جمعهایی از فعالین در یک

مقیاس سراسری فراخوان دادند و سازمان دادند. و این سازماندهی، نه تنها در این روزهای برآمد اعتراضی کاملا قابل مشاهده است، بلکه از همان ماه های اول انقلاب شکل گرفت و ادامه یافت که نتیجه اش در دیوارنویسی ها، در پاره کردن بنرها و بیلبوردهای حکومتی، در به آتش کشیدن عکس خامنه ای و خمینی و مجسمه های قاسم سلیمانی، در شعاردهی های شبانه، در تظاهراتهای محله ای و غیره قابل مشاهده است. این تدارک و سازماندهی و سازمانیابی هر چه انقلاب جلوتر رفت متعین تر و گسترده تر شد. امروز به جرات میتوان از یک شبکه سراسری سازماندهی تظاهرات و اشکال مختلف اعتراضات میدانی صحبت کرد.

اگر شما سند محرمانه ای که اخیرا از ملاقات سران سپاه و خامنه ای افشا شده را مطالعه کرده باشید میبینید مشخصا به "بیش از چهارصد گروهک مسلح، پانصد شبکه اطلاع رسان داخلی برای هماهنگی تجمعات و پانزده هزار گروه محله ای" اشاره میکنند. این اعتراف حکومت بقدرت متشکل انقلاب است. این سرمایه مبارزاتی ای است که انقلاب در روند پیشرویهایی خودش اندوخته و بکار گرفته است.

از یک جنبه دیگر هم ما گامهای بزرگی بجلو برداشته ایم. از نظر تدقیق و تبیین روشن تر و شفاف تر و جامع تر اهداف و خواستههای انقلاب. مشخصا منظوم منشوری است که به امضای بیست تشکل سابقه دار و معتبر مبارزاتی در ۲۵ بهمن منتشر شد. این هم یک دستاورد مهم انقلاب است. مدت کوتاهی بعد از این، در ۱۶ اسفند، یک روز قبل از روز جهانی زن، منشور مطالبات پیشرو زنان از جانب فعالین سرشناس جنبش آزادی زن در ایران منتشر شد. که به نوعی توضیح و بسط بندهای مربوط به آزادی زن در منشور ۲۰ تشکل بود.

این پرچمی است که در واقع مضمون و اهداف و خواستههای انقلاب را خیلی روشن و شفاف و جامع بیان میکند. خواست همه بخشهای جامعه را در این اسناد میبینیم و به این معنا پرچم اتحاد و بهم پیوستگی هم مردم است. شبکه هدایت کنندگان عملی ای ادامه در صفحه ۱۱

نگاهی به سال زن زندگی آزادی ادامه از صفحه ۱۰

که نام بردم، که امروز شامل بیش از ۵۵ تشکل است، خط و جهت منشور ۲۰ تشکل را دنبال میکنند. در واقع فعالین انقلاب از یک طرف در سطح میدانی و عمل آستینها را برای سازماندهی بالا زده اند و از سوی دیگر مانیفست انقلاب را با اعلام شفاف و روشن اند. من اینها را دستاوردهای مهم انقلاب زن زندگی آزادی میدانم.

حسن صالحی: سال جدید را مردم سال عبور از جمهوری اسلامی نامیده اند. شما چشم انداز انقلاب را در سال تاره چگونه می بینید؟ ملزومات پیروزی انقلاب از نظر شما چیست؟

حمید تقوایی به نظر من این نامگذاری بسیار بجایی است. امسال میتواند و باید سال سرنگون شدن جمهوری اسلامی باشد و این امر حتی ممکن است بسیار زودتر از رسیدن به آخر سال اتفاق بیفتد.

امروز دیگر آنچه قابل تصور نیست ماندگاری این حکومت است. کسی از من سؤال میکرد که آیا میشود پیروزی انقلاب در سال تازه را تصور کرد؟ گفتم سؤال واقعی عکس این است. آیا میشود تصور کرد که جمهوری اسلامی پنج یا ششماه دیگر هنوز سر کار باشد؟ تصورش خیلی سخت است. همین سند محرمانه سران سپاه و خامنه ای که اشاره کردم نشان میدهد که چطور نیروهای امنیتی و کاملاً سرسپرده نظام که چاق و پرور برای چنین روزهایی پرورش داده بودند در حال ریزش هستند. فرماندهانشان صریحاً میگویند فروپاشی تا نزدیک به ۶۸ درصد نیروهای سپاه و بسیج شروع شده. میگویند حتی طلاب در حوزه ها اعتراض و سرپیچی و ترک لباس میکنند. خیلی ها اظهار میکنند راه چاره ای نیست و کاری نمیشود کرد. خود حکومت دارد اذعان میکند که صفوفش از هم پاشیده است.

شما این وضعیت را در صفوف حکومت مشاهده میکنید و در طرف مقابل تداوم و گسترش مبارزات مردم به شیوه های مختلف را شاهد هستید. عکس العمل جامعه به حمله شیمیایی

حکومت به مدارس چه بود؟ جمهوری اسلامی برای چندین ماه مدارس را مورد حمله شیمیایی قرار داد، بیش از ۵۰۰ دانش آموز را مسموم و بستری کرد، حداقل سه دانش آموز را به قتل رساند، تا بخیال خودش مردم را مرعوب کند و بخصوص ضرب شستی به دخترانی، که با برداشتن حجابها و بزیر کشیدن عکس خامنه ای و خمینی در کلاسها در صف اول انقلاب بودند، نشان بدهد، آنها را خانه نشین کند و غیره. ولی جامعه چطور جواب داد؟ با رقص دختران اکباتان! و گسترش آن در بسیاری از شهرها از جمله در قم، در جلوی مراکز عقیدتی حکومت. و در مراسم سال نو در حافظیه شیراز و در شهرهای کردستان و بسیاری از شهرهای دیگر. رقص دختران اکباتان کارزار گسترده ای را آغاز کرد که امروز حتی ابعاد جهانی پیدا کرده است. دختران همه جا با همان آهنگ و با همان نوع رقص به خیابان آمده اند. اینها همان دانش آموزان تحت حمله شیمیایی هستند.

این جواب جامعه به قدرتمندی های پوشالی حکومت است. حکومت به شکل درهم ریخته و آشفته ای، با تناقضات و اختلافات و ضد و نقیض گویی های پی در پی، تاکتیکهای جنایتکارانه و زیوانانه ای مثل مسموم سازی کودکان را در پیش میگیرد و در مقابل مردم با اتحاد و همبستگی تعرض میکنند و توی دهنش میزنند.

این نشاندهنده چیست؟ نشان دهنده اینست که غیر قابل تصور است این حکومت تا آخر امسال هنوز سرکار باشد. آنچه با اطمینان میشود گفت اینست که انقلاب ما پیروز خواهد شد.

میپرسید ملزومات این پیروزی چیست؟ چه قدمهایی باید برداشت؟ به نقطه قوتهای انقلاب اشاره کردم ولی باید نقاط ضعف را هم شناخت و برطرف کرد. به نظر من دو امر مهمی که باید اتفاق بیفتد اینهاست: اولاً جمعیتی که به خیابان می آید میتواند ابعادش بسیار گسترده تر بشود. اگر جمعیت تظاهراتها که الان اساساً چند هزار نفره است، تبدیل بشود به تظاهراتهای چند ده و چند صد هزار نفره مطمئن باشد جمهوری اسلامی یک هفته هم دوام نخواهد آورد. اگر صد هزار نفر در تهران و در چند شهر بزرگ دیگر بخوابان بیایند حکومت بزانو در خواهد آمد.

نکته دیگر قدرت اعتصاب است. اعتصابات سراسری، اعتصابات کارگران، و بخشهای مختلف کارکن جامعه. باید توجه داشت که مکانیسم اعتصابات کارگری با تظاهراتهای خیابانی متفاوت است. کارگر نمیتواند با شعار مرگ بر خامنه ای اعتصاب کند. اعتصاب حول مطالبات مشخصی میتواند شکل بگیرد که توده کارگران را با خود همراه کند و امکان ادامه کاری داشته باشد. تحقق بسیاری از خواستههای کارگران در گرو سرنگونی حکومت است و همین حلقه ای است که اعتصابات ظاهراً صنفی کارگری را به جنبش سرنگونی و انقلاب جاری وصل میکند. با تغییر توازن قوا و پیشرویهای بیشتر انقلاب اعتصابات نیز صریحاً شکلی سیاسی و ضد حکومتی به خود خواهد گرفت.

امروز تشدید فشارهای معیشتی به مردم، گرانی سرسام آور و نرخ تورمی که چندین برابر نرخ اضافه دستمزدی است که تازه وعده اش را داده اند و آن هم معلوم نیست کی عملی بشود، زمینه مساعدی برای شکل گیری اعتصابات فراهم کرده است. کارگران فی الحال اعتراض به افزایش ناچیز دستمزدها در سال تازه را آغاز کرده اند و طوماری در این مورد در جنبش کارگری در گردش است. کارگران و همچنین معلمان و بازنشستگان میخواهند

در اعتراض به وضعیت فلاکتبار اقتصادی به تجمعات اعتراضی دست بزنند. این حرکت میتواند سرآغاز اعتصابات گسترده باشد.

با این دوشیوه، یعنی رواجی به تظاهرات هرچه گسترده تر در سطح چندین ده هزار نفره در شهرهای بزرگ و همچنین شروع و گسترش اعتصابات سراسری میتوانیم ضربه نهائی را به حکومت وارد کنیم. حکومت هیچ جوانی به خواستههای برحق مردم ندارد و مجبور است تسلیم بشود و به زانو در بیاید. امیدوارم در سال تازه این گامها را بجلو برداریم. تردید نباید داشت که با اتکا به شبکه هدایت مبارزات خیابانی و با اتکا به منسورهای منتشر شده از جانب تشکلهای و فعالین انقلاب و استقبال و حمایت گسترده بخش هر چه بیشتری از مردم و نیروهای انقلابی از این اسناد، سال جاری میتواند سال پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی باشد.

۲۳ مارس ۲۰۲۳، ۳ فروردین ۱۴۰۲



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: نسان نودینیان

ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر

میشود

https://www.facebook.com/wpiran

تلگرام. https://t.me/wpi_hkki

https://www.wpiran.org/

https://www.instagram.com/wpi91

اطلاعیه پایانی کنفرانس کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

بعد از تصویب آیین نامه و معرفی هیئت رئیسه، عبدل گهربان دبیر کمیته گزارش فعالیت در فاصله دو کنفرانس را ارائه داد و به فعالیت عرصه های مختلف تشکیلات کردستان حزب که قبل از کنفرانس در اختیار اعضای شورای کادرها قرار داده شده بود اشاره کرد و گفت در این دوره شاهد تحولات زیادی بوده ایم. از تحولات در اوضاع سیاسی، اجتماعی و اعتراضی در ایران تا شروع انقلاب زن زندگی آزادی که در فعالیت های تشکیلات کردستان حزب بازتاب داشته است. قبل از انقلاب اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی در همسویی و هم جهتی مبارزات مردم کردستان با اعتراضات سراسری در ایران برجسته بود. مهمترین آن تجمعات، تحصن ها و اعتراضات معلمان بود. کمیته کردستان تلاش خود را به تحکیم مبارزات در کردستان با مبارزات سراسری با تکیه بر امکاناتی که در اختیار دارد از جمله ارتباط با فعالین داخل، کار میدانی، حضور در مدیای اجتماعی و برنامه های روزانه در تلویزیون ایسکرا معطوف کرد. تحکیم رابطه با فعالین حقوق زن و مراسم های هشت مارس، اعتراضات کولبران و نقد سیاست های نبروهای ناسیونالیست از جمله تمرکزهای تشکیلات کردستان حزب بود. ارسال کمک مالی برای مجروحین انقلاب در چندین شهر کردستان نیز از جمله فعالیت های تشکیلات کردستان در این دوره بود. یکی از پروژه های ما در ماههای اخیر میزگردهایی را تحت عنوان "کردستان سنگر مستحکم انقلاب" با شرکت شخصیت‌های دخیل در مبارزات آن دوره شروع کرد که نسل جوان را با این تاریخ و نقش کمونیسم در کردستان آشنا کند.

اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب در سخنان خود با تاکید بر نقش و جایگاه کردستان در شرایط انقلاب جاری در مورد آینده فعالیت حزب در کردستان تاکید کرد که با توجه به حضور قدرتمند مردم کردستان در انقلاب جاری، ابعاد وسیع گرایش کمونیستی در میان فعالین اعتراضات در این منطقه و شناخته شده بودن حزب، تشکیلات کردستان باید انتظار از خود را بسیار بالا ببرد، در همه اتفاقات سیاسی مربوط به کردستان حضور داشته باشد و بعنوان یک نیروی مهم در

صحنه سیاسی کردستان نقش ایفا کند، بعنوان نماینده مردم کردستان ادامه در صفحه ۱۴

کنفرانس شورای کادرهای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران روز یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۱ برابر با ۱۲ مارس ۲۰۲۳ با حضور اکثریت اعضای شورای کادرهای کمیته کردستان برگزار شد. در این کنفرانس که به صورت آنلاین-ویدیویی برگزار شد اعضای از حزب و مهمانانی به کنفرانس دعوت شده بودند. کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان انقلاب جاری شروع شد و پس از چهار ساعت بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد. کنفرانس شورای کادرهای کمیته کردستان این بار در دل انقلاب برگزار شد که گزارشات، مباحث و پلتفرم آینده کمیته حول آن متمرکز بود.

ابتدا حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه در مورد جایگاه کمیته کردستان صحبت کرد. او با تاکید بر مبارزات کوبنده و پیگیر مردم کردستان به شعارهای سراسری مردم همچون "کردستان چشم و چراغ ایران"، "کرد بلوچ آذری، آزادی برابری" اشاره کرد و گفت این نشان همبستگی مبارزات مردم در سراسر ایران است.

نکته دیگر مورد اشاره حمید تقوایی موضع گیری اپوزیسیون راست و مشخصا سلطنت طلبان بود که با اعلام "تمامیت ارضی" به عنوان خط قرمز از هم اکنون برای مردم کردستان خط و نشان میکشند. او تاکید کرد که این جبهه ای است که ما را به عنوان پرچمدار و مدافع پی چون و چرای رفع ستم ملی در مقابل جریانات راست قرار میدهد. او گفت ما وظیفه داریم بطور پیگیر و فعال از رفع ستم و تبعیض ملی و حقوق شهروندی مساوی برای همه مردم ایران دفاع کنیم و اعلام کنیم جدائی تابو نیست و دولت مرکزی موظف است رای مردمی که در یک فرماندوم آزاد خواهان جدایی هستند بپذیرد.

حمید تقوایی در بخش دیگری از سخنانش به پیشینه مبارزاتی مردم و نیروهای مترقی در کردستان اشاره کرد که در همبستگی با مبارزات سراسری کارگران، معلمان، جنبش زنان و با کارزارهایی نظیر نه به تابو، دفاع از حقوق کودکان، و مسئله کولبران، همواره بخش فعالی از مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی بوده است. او تاکید کرد که بویژه در این مقطع انقلابی کمیته کردستان در تقویت و رادیکالیزه کردن مبارزات مردم کردستان می تواند و باید نقش تعیین کننده ای ایفا کند.



نهادمانی کمیته‌ی کردستان: ژینق نیبراهیمی، سیما به‌هاری، مینا بیهرووزی، غم‌ریبه حوسینی، کاوه عومر، نسان نودینیان، عزیزه لوتفی، عبدال گولپریان، یادی م‌حمودی، سیاوش مودرتیسی، جمیله میرهکی ستار نوریزاد.

دهبیری کمیته کردستان نسان نودینیان

آغاز سال جدید با طنین مرگ بر دیکتاتور بر فضای شهرها نوروزتان پیروز

با دستگیرشدن انقلاب اعلام داشتند.

فیلمهای بسیاری از رساتر شدن شعار مرگ بر خامنه ای در لحظه سال تحویل و نیز همزمان با سخنرانی خامنه ای در شهرهای مختلف از جمله از کرج و از مشهد منتشر شده است. امروز یکم فروردین ماه نیز برپایی جشن نوروز در شهرهایی چون ارومیه و ماکو برقرار بود و همچون شبهای دیگر در بسیاری از محلات تهران از جمله در شهرک باقری، اکباتان، فرمانیه، دهکده المپیک، تهران غرب، گیشا، تهرانسر، تهرانپارس و در شهرهای دیگر همچون کرج، مشهد، شیراز، شعارهای ضد حکومتی سر داده شد.

گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی که بدست جانیان جمهوری اسلامی به قتل رسید، نیز با انتشار تصویری از خود در کنار مزار پسرش در حالی که تصویری از سیدمحمد حسینی را در دست داشت، در توییپتی سال نو را تبریک گفت و نوشت: "بهار طبیعت و نوروز باستانی، بر شما خجسته باد".

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ فروردین
۱۴۰۲، ۲۱ مارس ۲۰۲۳



ژیان آزادی به التهاب در آمده بود. در بوکان نیز مادران دادخواه جانباختگان اعتراضات اخیر با در دست داشتن تصاویر فرزندانشان بر سر مزار این عزیزان حاضر شدند

در بسیاری از شهرها مردم با پهن کرده سفره هفت سین با نشانهای انقلاب، یاد و نام جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی را گرمی داشتند و یا با گذاشتن گل بر مزار جانباختگان انقلاب به استقبال سال تازه رفتند. همچنین در لحظه سال جدید جمعی از دوستان یلوفر حامدی و الهه محمدی پشت دیوارهای زندان قرچک و در نزدیک ترین فاصله با عزیزانشان بودند و بدینگونه همبستگی خود

جمعیت بسیاری از مردم به خیابان آمدند و با برافروختن آتش و رقص و شادی و با سر دادن شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "امسال سال خونه سید علی سرنگونه"، "مرگ بر جمهوری اعدای"، "زن، زندگی، آزادی" تداوم انقلاب را فریاد زدند و عزم جزم خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کردند. در مناطقی از جمله در مهاباد مردم با نیروهای سرکوب درگیر شدند. در شهرهایی این جمع شدن ها بر مزار عزیزان جانباخته انقلاب صورت گرفت. قبرستان آچی در سقز محل خاکسپاری مهسا امینی نماد انقلاب زن، زندگی، آزادی با فریاد مهسا مهسا و زن

شب گذشته در آستانه تحویل سال ۱۴۰۲ در محلات مختلف تهران از جمله در تهرانسر، زیبا شهر، اکباتان و در شهرهای بسیاری از جمله شهرهای کرج، مشهد، سقز، اشنویه، سنندج، بوکان، پیرانشهر، روستای چورونته، دهگلان، ارومیه، مهاباد، ایذه، رضوانشهر، شیراز، سردشت، و رشت شعاردهی علیه حکومت از منازل بسیار گسترده بود. طنین شعارها نوید بخش سالی است که انقلاب و سرنگونی محتوم حکومت منفور و درمانده اسلامی را رقم خواهد شد. سال ۱۴۰۲ با طنین رسای مرگ بر دیکتاتور بر فراز خیابانهای سراسر ایران آغاز شد. در بسیاری از این شهرها

قتل حکومتی بهزاد عزیزی و جواب محکم مردم بانه

و شرکت هرچه گسترده تر در مراسم گرامیداشت بهزاد عزیزی فرا میخواند. از همه مردم آزاده و انقلابی در سراسر کشور میخواهیم این جنایت را محکوم کنند و به هر شکل که میتوانند اعتراضشان به این قتل فجیع حکومتی را نشان دهند.

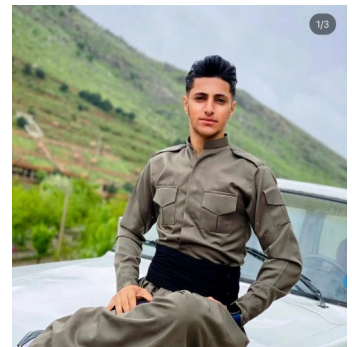
نابود باد جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳ فروردین ۱۴۰۲
۲۳ مارس ۲۰۲۳

آباد یورش برده و پاسگاه را به آتش میکشند و مزدوران مستقر در پاسگاه از ترس محل را ترک کرده و از آنجا فرار میکنند. با انتقال جنازه بهزاد مردم به شهر بانه، جمعیت قابل توجهی در جلو بیمارستان تجمع میکنند و به این جنایت اعتراض میکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن تسلیت به بستگان بهزاد عزیزی و مردم بانه، همه مردم بانه و سایر شهرها را به گسترش اعتراض علیه این جنایت

جوان ۱۹ ساله هنگام بازگشت به محل سکونت خود در روستای «درگاشیخان» در مسیر بانه. بوبین در ایست بازرسی کریم آباد که مدتی است دایر شده مورد دستگیری و اذیت و آزار مزدوران پاسگاه قرار میگیرد. بهزاد عزیزی در مقابل مزدوران دست به مقاومت میزند و مزدوران دست به جنایت وحشتناکی میزنند و با شلیک چند گلوله او را به قتل میرسانند.

مردم حاضر در محل با اطلاع از قتل بهزاد عزیزی به پاسگاه کریم



ساعت ۷ بامداد چهارشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۲ بهزاد عزیزی

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی، آزادی مختار اسدی و تجمع معلولان گرانی، تورم، دشمن جان مردم

قرار داد و شماری از معلمان را در این رابطه دستگیر کرد. آزادی مختار اسدی را به او و خانواده و دستانش، به همه معلمان و به مردم شادباش میگوییم.

آخرین خبر اینکه در روز گذشته ۲۷ اسفند شماری از معلولان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران دست به تجمع زدند. اعتراض معلولان به عدم تخصیص بودجه کافی برای حمایت از معلولان و محرومیت از فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط جسمانی آنها و پرداخت نشدن طلب هایشان صورت میگیرد. حزب کمونیست کارگری از خواستها و اعتراض معلولان با تمام قدرت حمایت و پشتیبانی میکند.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ اسفند ۱۴۰۱، ۱۹
مارس ۲۰۲۳

"اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "وعده وعید کافی، سفره ما خالیه"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

اعتراضات بازنشستگان علیه گرانی و تورم و برای داشتن حق درمان رایگان و زندگی ای انسانی فریاد اعتراض همه مردم در دل انقلاب است. مردی که در کف خیابان با شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی" عزم خود را برای سرنگونی حکومت هر روزه فریاد میزنند.

خبر دیگر آزادی مختار اسدی، از معلمان سندج است که در اعتراضات سراسری معلمان در شانزدهم اسفند در اعتراض به حملات شیمیایی حکومت به مدارس دستگیر شده بود. فراخوان این اعتراضات سراسری آن توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان داده شده بود. تجمعاتی که دامنه اش به ۴۰ شهر رسید و حکومت اسلامی را زیر فشار جدی



در شوش بازنشستگان با راهپیمایی بسمت تامین اجتماعی رفته و آنجا تجمع کردند. آنها شعار میدادند: "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "مشکل ما حل نشه، تجمع تکرار میشه"، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "فقط کف خیایان، بدست میاید حقمون"، و "وعده وعید کافی، سفره ما خالیه".

در اهواز بازنشستگان راهپیمایی کرده و شعار میدادند: "درمان رایگان حق مسلم ماست"،

امروز ۲۸ اسفند در آخرین یکشنبه سال بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمعات اعتراضی زدند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز و شوشتر برگزار شد.

در شوشتر بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته می میرد، ذلت نمیپذیرد"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

اطلاعیه پایانی کنفرانس کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ادامه از صفحه ۱۲

میچث آخر کنفرانس به انتخابات کمیته کردستان اختصاص داشت. کنفرانس برای هدایت فعالیت دور آتی ۱۲ نفر را به عنوان اعضای کمیته کردستان انتخاب کرد که عبارتند از: ژینو ابراهیمی، سیما بهاری، مینا بهروزی، غریبه حسینی، کاوه عمر، عزیزه لطفی، عبدال گلپریان، یدی محمودی، سیاوش مدرسی، جمیله میری، نسان نودینیان، ستار نوری زاد.

در میچث انتخاب دبیر کمیته، ژینو ابراهیمی و نسان نودینیان کاندید دبیر کمیته بودند که نسان نودینیان به عنوان دبیر انتخاب شد. کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب بعد از ۴ ساعت بحث و اظهار نظر راهگشا، صمیمانه و امیدبخش به پایان رسید.

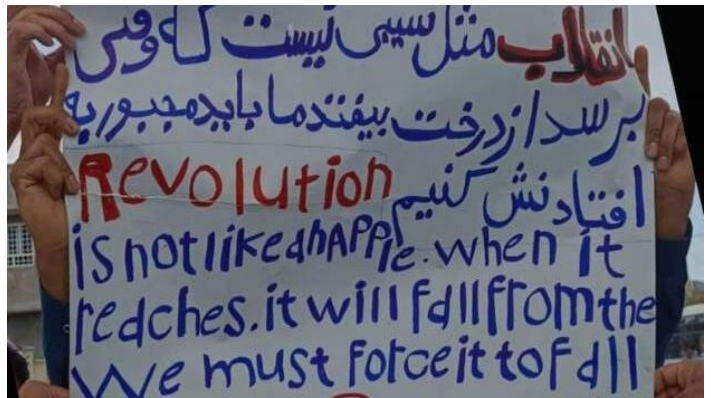
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مارس ۲۰۲۳، ۲۹ اسفند ۱۴۰۱

در مقابل جمهوری اسلامی و نماینده مردم در مقابل جریاناتی که از همین الان تابوی تمامیت ارضی را بعنوان شمشیری علیه مردم کردستان بلند کرده اند و در مقابل هر جریان دیگری که همبستگی عمیق میان مردم کردستان و سایر نقاط کشور را تضعیف کند ظاهر شود. او در این راستا به چند پروژه مهم اشاره کرد و بر ضرورت گسترش رابطه با نسل جوان و زنان و تلاش برای متشکل کردن فعالینی که در ارتباط با حزب قرار دارند تاکید نمود.

سپس اعضای کمیته کردستان هر یک در جهت تکمیل گزارش ارائه شده اظهار نظر کردند. بخش دوم کنفرانس شورای کادرهای تشکیلات کردستان بحث بر سر پلتفرم شش ماه آینده کمیته بود که توسط دبیر کمیته عبدال گلپریان به کنفرانس ارائه شد. اعضای شورای کادرها در رابطه با پلتفرم اظهار نظر کردند و آنرا به عنوان پلتفرمی که کمیته منتخب کنفرانس در دستور فعالیت آینده قرار دهد مورد تاکید قرار دادند.

نابود باد حکومت اسلامی!

تجمع بزرگ مردم زاهدان در آخرین جمعه سال ۱۴۰۱، اعدام ۶ نفر در ارومیه و اعتراض مردم حکومت اعدامی نمیخوایم، نمیخوایم



امروز جمعه ۲۶ اسفند در آخرین جمعه سال جمعیت بسیاری از مردم در زاهدان در ادامه انقلاب و برای فریاد اعتراض خود و علیه سرکوبگری های حکومت به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سردادند. در این روز مردم شعار میدادند: "بسیجی سپاهی داعش ما شماید"، "میمیریم میمیریم ذلت نمی پذیریم"، "میکشم میکشم آنکه برادرم کشت"، "سلطنت ولایت یکصد سال جنایت"، "نه میبخشیم و نه فراموش میکنیم"، "آزادی می آید با میتوان و باید"، "نه سلطنت نه رهبری دمکراسی برابری"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه

رهبر"، "مرگ بر دیکتاتور"، "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان".
خبر دیگر امروز خبر تاسف بار اجرای حکم اعدام دستکم شش زندانی در زندان ارومیه به اسامی عشیر (فرههر) عباس نژاد اهل روستای گوجار از توابع منطقه ترگور ارومیه، سلیم ایوبیان اهل روستای "موانا" از توابع ترگور، جهانبخش رادلویی فرزند سودین، آغچقل، از توابع منطقه صومباردوست ارومیه، یاسین رشیدی فرزند اردلان اهل کلهر از توابع ارومیه و حسن عمری" و نیسم نیازی در زندان ارومیه است. آنها از روز چهارشنبه جهت اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده بودند. بدنال این اعدام ها فضایی از خشم و اعتراض در ارومیه بوجود آمده است. بنا بر گزارشات مردم

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اسفند ۱۴۰۱، ۱۷

مارس ۲۰۲۳

اعدام زندانی سیاسی، محی الدین ابراهیمی را با اعتراض وسیع پاسخ دهیم!



سحرگاه روز جمعه بیست و ششم اسفندماه ۱۴۰۱، زندانی سیاسی، محی الدین ابراهیمی، به همراه ۵ زندانی دیگر در زندان ارومیه اعدام شد. شب قبل از اعدام این شش زندانی، جمعی از خانواده های زندانیان در خطر اعدام با مطالبه توقف اجرای حکم نزدیکان خود، در مقابل درب زندان ارومیه دست به تجمع اعتراضی زدند. پس از انتشار خبر اعدام هم شماری از شهروندان در مقابل زندان جمع شدند. محی الدین ابراهیمی ۴۳ ساله و

نقض و مجدداً به شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی ارجاع داده شد. حکم اعدام وی نهایتاً به تایید دیوان عالی جمهوری اسلامی رسید.
قابل ذکر است که برادر این زندانی سیاسی اردیبهشت ۱۳۹۶ و چند ماه قبل از بازداشت محی الدین، در حین کولبری در مرز اشنویه با شلیک مستقیم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به قتل رسیده بود. همچنین محمدباپیر ابراهیمی پدر وی نیز پیشتر توسط سپاه پاسداران کشته شده بود.
حکم اعدام این زندانی سیاسی در حالی اجرا شد که ساعات اولیه بامداد ۲۶ اسفند شخص فرماندار و شهردار اشنویه با خانواده وی تماس گرفته و از توقف اجرای حکم وی خبر داده بودند و خانواده اش از ارومیه به اشنویه بازگشته بودند، اما صبح زود با آنها تماس گرفته شده که برای تحویل پیکر فرزندان به زندان ارومیه مراجعه کنید. قساوت و بیرحمی آدمکشان اسلامی واقعا حد و حصر ندارد.
کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ -

۱۷ مارس ۲۰۲۳

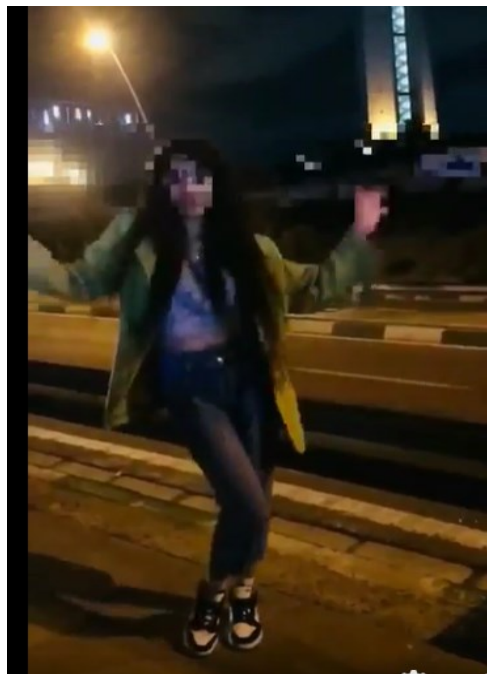
در ایران تصاویر ماندگار



پدر و مادر مبارز جانباخته #هومن عبداللهی، بر سر مزارش . پنج شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۱



گزارش تصویری فعالیت حزب در اروپا و کانادا و تصاویر ماندگار



#بروکسل - گزارش از طه آزادی
تجمع مقابل پارلمان اروپا برای قرار دادن سپاه پاسداران در لیست سازمانهای
تروریستی
پنجشنبه ۲۳ مارس ۲۰۲۳... ادامه ...



گزارش تصویری فعالیت حزب در اروپا و کانادا

